



## سؤالات کنکور سراسری سال ۱۳۹۹

### رشته ریاضی

۱. کدام گزینه می‌تواند معنای مناسبی برای تعداد بیش‌تری از واژه‌های زیر باشد؟  
 «بدسگال، عنود، تیمار، دَلاک، دوده، خیره، برده‌میدن»  
 (۱) بداندیش، اندیشه، برگردانیدن، متحیر (۲) دشمن و بدخواه، خدمت، خاندان، خروشییدن  
 (۳) بدبختی، غمخواری، طایفه، برگردانیدن (۴) بدخواه، مهیب، کیسه‌کش حمام، سرگشته
۲. در کدام گزینه تعداد واژه‌هایی که «غلط» معنی شده، کم‌تر است؟  
 (۱) (بَر: خشک)، (بارِه: حصار)، (ویلِه: رها)، (نژند: اندوهگین)  
 (۲) (ایدون: این‌چنان)، (اشباه: همانند)، (وظیفه: معاش)، (وبال: بار گناه)  
 (۳) (پایمردی: استقامت)، (انگاره: طرح)، (ادبار: نگون‌بخت)، (موالات: دوستی)  
 (۴) (بیغوله: کنج)، (پدرام: آراستن)، (التهاب: زبانه و شعله آتش)، (آستانه: آغاز)
۳. با توجه به واژه‌های زیر، در کدام موارد معنی بعضی واژه‌ها نادرست است؟  
 الف) (وجه: وجود) (پویدین: تلاش) (محب: یار)  
 ب) (متقاعد: هم‌عقیده) (تاک: رز) (تقصیر: کوتاه)  
 ج) (انبان: خیک) (حریف: مبارز) (درهم: مسکوک طلا)  
 د) (سامان: امکان) (سرپر زدن: توقف کوتاه) (مَنّت: نیکویی)  
 (۱) الف، ج (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د
۴. در متن زیر، چند «غلط املائی» یافت می‌شود؟  
 «غافل‌ی ضعیف که بر خواری کشیدن خود دارد و به هیچ تأویل منظور و محترم و متاع و مکرم نگردد که در معرض حسد و عداوت افتد، بیاید دانست که عاقل همیشه محروم است و محسود و من از این طبقه نیستم و نه آزی قالب است که خیانت کنم.»  
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
۵. در متن زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟  
 «با آن‌که به چنین واقعه‌های و مصیبت عام از وطن به قربت افتاده است و از مسرت به ملالت و از کثرت به قلت و از جمعیت به تفرقت، نگوییم از عزت به مذلت که عزت فقر هرگز روی زلت نبیند. امید به عنایت بی‌علت و عاطفت حضرت جلت، این کتاب در حضرت سلطنت منظور باشد نه مهجور.»  
 (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
۶. در کدام بیت غلط املائی یافت می‌شود؟  
 (۱) چون درآمد علتی اندر قضا / تیغ را دیدم نهان کردن سزا  
 (۲) صلتنش بزم خوان هشت بهشت / صولت رزم هفت‌خوان ملوک  
 (۳) شب همه شب انتظار صبح‌رویی می‌رود / کان صباحت نیست این صبح جهان‌افروز را  
 (۴) نادان که از قضای خدا می‌کند حذر / غافل که رو به تیر قضا جلوه می‌کند



۷. ایبات زیر، به ترتیب، سروده چه کسانی هستند؟  
الف) تازر خاکی ای درخت تنومند / مگسل از این آب و خاک ریشه پیوند  
ب) زور داری چون نداری علم کار / لاف آن نتوان به آسانی زدن  
۱) ابن حسام خوسفی، سنایی  
۲) عطار نیشابوری، خواجهی کرمانی  
۳) ادیب الممالک فراهانی، مجد خوافی  
۴) ابن حسام خوسفی، جلال الدین محمد مولوی
۸. تعداد تشبیهات کدام بیت بیش تر است؟  
۱) واله و شیدا است دائم همچو بلبل در قفس / طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست  
۲) بمال بر لب خونخوار حرص، خاک قناعت / وگر نه تشنگی افزاست آب شور تمنا  
۳) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایه نظر هاست / چشمی که یک نظر دید آن چشم سرمه سا را  
۴) به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا / که باشد عقد گوهر خوشه ای از خرمن دریا  
در کدام بیت همه آرایه های «تشبیه، استعاره، جناس» به کار رفته است؟  
۱) حافظ در این کمند سر سرکشان بسی است / سودای کج میز، که نباشد مجال تو  
۲) در چین زلفش ای دل مسکین چگونه ای؟ / کاشفته گفت باد صبا شرح حال تو  
۳) صحن سرای دیده بشستم، ولی چه سود؟ / کاین گوشه، نیست در خور خیل خیال تو  
۴) چون پیاله، دلم از توبه که کردم، بشکست / همچو لاله، جگرم بی می و خم خانه بسوخت
۹. آرایه های مقابل ایبات در همه گزینه ها تماماً درست است؛ به جز:  
۱) نازنین تر می شوی هر روز از روز دگر / ناز چندانی که می ریزد ز سر تا پای تو (حسن تعلیل، واج آرایه)  
۲) باغبان همچون نسیم ز در خویش مران / کاب گلزار تو از اشک چو گلنار من است (ایهام، کنایه)  
۳) در غبار خاطر مجنون حصارى گشته است / دیده آهو ز شرم نرگس شهلاى تو (استعاره، تشبیه)  
۴) پرده های دیده اش پیراهن یوسف شود / هر که یک شب را به روز آورد در سودای تو (تلمیح، ایهام تناسب)
۱۰. آرایه های «تشبیه، استعاره، حس آمیزی و ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ایبات آمده است؟  
الف) چون شبنم است بستر و بالین من ز گل / در خارزار از نظر پاک بین خویش  
ب) ناله نی راست صد تنگ شکر در آستین / بند بندش گر بر از شکر نباشد گو میاش  
ج) چرا از دست می رفتم چرا بیمار می بودم؟ / اگر می بود بر بالین من سیب ز نخدانش  
د) کجا تاب نگاه گرم دارد سایه پروردی / که گردد آفتابی چهره از گلگشت مهتابش  
۱) ب، الف، د، ج ۲) ب، د، ج، الف ۳) ج، الف، ب، د ۴) ج، الف، د، ب
۱۱. با توجه به مصراع های زیر، اجزای کدام مصراع ها از «نهاد + فعل» تشکیل شده است؟  
الف) بسیار فرق باشد از اندیشه تا وصول  
ب) دلیل صدق نباشد نظر به لاله و سنبل  
ج) سعدی از این پس نه عاقل است نه هشیار  
د) ز سر به در نرود همچنان امید وصال  
۱) الف، ب، د ۲) الف، د، ه ۳) ب، ج، ه ۴) ب، د، ه
۱۲. در کدام گروه واژه، رابطه معنایی واژه ها، با سایر گروه ها، متفاوت است؟  
۱) آسمان - ماه - دریا و ماهی - شعر و قصیده  
۲) تفوق و برتری - عقده و گره - صواب و صلاح  
۳) حیوان و چنگال - آشپزخانه و چاقو - رمضان و تشنگی  
۴) خانواده و همسر - مدرسه و تخته سیاه - پادگان و سرباز



## ۱۴. بیش‌ترین «صفت مرکب» در کدام بیت یافت می‌شود؟

- ۱) دوست‌گش بیگانه‌پرور دیرجوش و زودرنج / سست‌پیمان سخت‌دل مشکل‌پسند آسان‌گسل
  - ۲) لفظ آتش‌بار او یأس‌آور و امیدسوز / نرگس بیمار او دردافکن و درمان‌گسل
  - ۳) غمزه‌اش در دلبری یغماگر و مردم‌فریب / طزه‌اش در کافری تقواکش و ایمان‌گسل
  - ۴) لعل گوهربیز او گاه سخن مرجان‌فروش / مژه خون‌ریز او وقت غضب شریان‌گسل
- در کدام ابیات، «صفت مضاف‌الیه» وجود دارد؟

- الف) غنیمت دان در این عالم وصال سبز خطان را / که باغ خلد این ریحان جان‌پرور نمی‌دارد
- ب) مگر دیده است چشم خویش نگاه آن سمن بر را؟ / زمین خانه بر دوشان عمارت برنمی‌دارد
- ج) نیچید سر ز زخم گاز شمع ما سیه‌روزان / گل این باغ شبنم از لطافت برنمی‌دارد
- د) دل خود را به صد امید کردم چاک از این غافل / که بار شانه آن زلف معنبر برنمی‌دارد
- ه) عرق رخسار آن خورشید طلعت برنمی‌دارد / که چشم از پشت پا نرگس ز خجلت برنمی‌دارد

۱) الف، ب، ه      ۲) الف، ج، د      ۳) ب، ج، د      ۴) ب، ج، ه

## ۱۶. با توجه به ابیات زیر، کدام مورد «غلط» است؟

- «با لعل لبث شراب را مستی نیست / با قد تو سرو را بجز پستی نیست»  
 ما را دهن تو نیست می‌پندارد / با آن که به یک دزه در او هستی نیست»
- ۱) «مستی، پستی و هستی» همگی مسند هستند.
  - ۲) در ابیات «وابسته‌وابسته» و یک ترکیب وصفی وجود دارد.
  - ۳) «را» هم در معنای حرف اضافه و هم در معنای حرف نشانه آمده است.
  - ۴) اجزای تشکیل‌دهنده یکی از جمله‌ها «نهاد + مفعول + مسند + فعل» است.

## ۱۷. مفهوم کدام بیت در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- ۱) تا صورتت نکو بود افعال زشت کردی / پس فعل را نکو کن اکنون که زشت گشتی (دریافتن باقی‌مانده عمر)
- ۲) باده‌نوشی که در او روی و ریایی نبود / بهتر از زهدفروشی که در او روی و ریاست (مذمت تزویر)
- ۳) گرچه فرهادم به تلخی جان برآید پاک نیست / بس حکایت‌های شیرین باز می‌ماند ز من (توصیه به داستان‌پردازی)
- ۴) از جان طمع بریدن آسان بود ولیکن / از دوستان جانی مشکل توان بریدن (تأثیر عشق)

## ۱۸. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، متفاوت است؟

- ۱) گر به دیدن شوی از دست درازی قانع / می‌توان از گل ناچیده چه گل‌ها چیدن
- ۲) هرکه گردید ز عبرت به تماشا قانع / به کف پوچ شد از گوهر دریا قانع
- ۳) زود عاجز شود از دیدن یوسف چشمی / که به دیدار نگردد چو زلیخا قانع
- ۴) منم به گوشه چشمی ز آشنا قانع / به خاک پای قناعت ز توتیا قانع

## ۱۹. مفهوم کدام بیت با بقیه متفاوت است؟

- ۱) شکفته لاله نعمان به سان خوب‌رخساران / به مشک اندر زده دل‌ها به خون اندر زده سرها
- ۲) وقت است از شکوفه چمن سیم تن شود / هر خار خشک یوسف گل پیرهن شود
- ۳) سنبل او می‌خرامد دست بر دوش بهار / تا کند در وقت فرصت حلقه در گوش بهار
- ۴) شده است چون رخ لیلی و سینه مجنون / ز جوش لاله و گل دامن بیابان‌ها



۲۰. همهٔ ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«سخن گفته دگر باز نیاید به دهن / اول اندیشه کند مرد که عاقل باشد»

- ۱) سخن چون برابر شود با خرد / روان سراینده رامش برد
- ۲) سخن گر چون گوهر برآرد فروغ / چون ناباور افتد نماید دروغ
- ۳) بدان کز زبان است مردم به رنج / چون رنجش نخواهی سخن را بسنج
- ۴) سخن پیش فرهنگیان سخته گوی / به هر کس نوازنده و تازه روی

۲۱. مفهوم کدام بیت با بیت زیر، هم خوانی دارد؟

«وصلت آن کس یافت کز خود شد فنا / هر که فانی شد ز خود مردانه‌ای است»

- ۱) بیا گر خواهیم دیدن که دور از روی خوب تو / بقای خویش چندانی نمی‌بینم نمی‌بینم
- ۲) بی‌فنا ره نتوان برد به سر منزل دوست / هستی ناقص من موجب حرمان من است
- ۳) ما چو قدر وصلت ای جان و جهان نشناختیم / لاجرم در بوتهٔ هجران تو بگداختیم
- ۴) مکن از ظلمت پرورحشت فقر و فنا دهشت / نظر چون خضر بر سر چشمهٔ آب بقا بگشا

۲۲. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟

- ۱) تخم راز عشق را در خاک کردن مشکل است / چون شرر از سنگ بیرون می‌جهد اسرار عشق
- ۲) که رازهره است راز عشق را در دل نگه دارد؟ / صدف را سینه چاک آرد به ساحل گوهر عاشق
- ۳) از خاک اهل عشق نظر خیره می‌شود / از ابر پردگی نشود آفتاب عشق
- ۴) به هر بی‌پرده‌ای اظهار نتوان کرد راز خود / دل شب‌ها بود گنجینهٔ اسرار عاشق را

۲۳. مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان است؟

«دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است / بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی»

- ۱) شاهها به سوی خصمت تیر دعا فکندم / از کردگار خواهم تأثیر این دعا را
- ۲) فروغی از دعای پادشاه فارغ نیاید شد / دعا کن کز لب روح‌الامین آمین شود پیدا
- ۳) به هر قفلی کلید صبح خیزان راست می‌آید / مشو دل‌های شب زنهار از دست دعا غافل
- ۴) به جان خواجه و حق قدیم و عهد درست / که مونس دم صبحم دعای دولت توست

۲۴. مفهوم همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز:

- ۱) بر چهرهٔ وصفش چه محل زیور تقریر / دریا که حاجت به بیان نیست عیان را
- ۲) در روی تو گفتم سخنی چند بگویم / رو باز گشادی و در نطق بیستی
- ۳) هیچ نقاشی نمی‌بیند که نقشی بر کند / وان که دید از حیرتش کلک از بنان افکنده‌ای
- ۴) صورت یوسف نادیده صفت می‌کردند / با میان آمد و بی‌عقل و زبان گردیدم

۲۵. مفهوم حدیث «حاسبوا قبل ان تحاسبوا» از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

- ۱) در زمان خط، مدار چشم او بر مردمی است / گردن عامل بود باریک در پای حساب
- ۲) زان خلایق که درآیند به دیوان حساب / مثل سلمان عجب ار ز آنچه در آید به حساب
- ۳) صبح پیری نیست گر صبح قیامت، از چه کرد / پیش چشم من ز عینک نصب، میزان حساب
- ۴) سنگ کم در پلهٔ میزان خجالت می‌کشد / خود حساب آسوده است از پرسش روز حساب



## رشته تجربی

۱. کدام گزینه می‌تواند معانی مناسبی برای تعداد بیش‌تری از واژه‌های زیر باشد؟
- «شبه، بعینه، بسنده، ویله، فراز آمدن، گبر»
- (۱) نظیر، شایسته، زره، دلاور  
(۲) مانند، کافی، ناله، کم‌عقلی  
(۳) عیناً، آراسته، حصار، نوعی لباس جنگی  
(۴) مانند، کامل، نزدیک آمدن، خفتان
۲. معنی چند واژه درست است؟
- «زایل شدن: برطرف شدن» (استحقاق: شایسته) (افسر: صاحب منصب) (نهیب: هیبت) (نوند: اسب رنجور)  
(هنر: معرفت) (برافراختن: روشن کردن) (بر اثر: ردّ پا) (خایب: بی‌بهره) (راه تافتن: تغییر مسیر دادن)
- (۱) چهار (۲) پنج (۳) شش (۴) هفت
۳. در همهٔ گزینه‌ها معانی واژه‌ها «تماماً» درست است؛ به‌جز:
- (۱) اندیشه: اندوه (طاق: بی‌همتا) (عیار: معیار)  
(۲) تلقی: نگرش (تعبیر: بازگویی) (تعلل: اهمال کردن)  
(۳) مدام: می (بازبسته: پیوسته و مرتبط) (سوءهاضمه: بدگواری)  
(۴) انبساط: خودمانی شدن (جسیم: صاحب جاه) (معاملت: اعمال عبادی)
۴. در متن زیر، چند «غلط املائی» وجود دارد؟
- «پس غیاث مولانا سعدالدین عین صواب است که عقل را مقدّم داشت و وسیلت غربت حق دانست و داعی مخلص را به عین رضا نظر کرد. خداوند زوالجلال است و اکرامش در حصر نمی‌آید.»
- (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
۵. در کدام عبارت «غلط املائی» یافت می‌شود؟
- (۱) دوستان دو نوعند: اول آن که به صدق رقیب و طوع دل به موالات گرایند و دوم آن که از روی اضطرار مصاحبت نمایند.  
(۲) هر کجا گرمی شامل و مروّتی شایع است طبع از اهمال حقوق نفور باشد و همت برگزارد موجب آن مقصور.  
(۳) آنچه شرایط آداب خدمت ملوک است، خدم و حشم در مسالک و مدارج آن می‌باید قدم نهند.  
(۴) غایت معرفت هر کس مقام انقطاع اوست به وجد از تزقی، بیابان این ورطه از چه می‌پرسی؟
۶. در میان گروه واژه‌های داده شده، «چند غلط املائی یا رسم الخطی» به چشم می‌خورد؟
- «افراط و تفریط، صنف و گونه، التهاب و برافروخته‌گی، عنایت و توبه، انبان دباقی شده، بارع و حصار، بدقواره و ناموزون، بذله‌گو و شوخ‌طبع، بطالت و بیهودگی، صیغهٔ بلعث، بزم و ظیافت، بردمیدن و برخواستن، عرصهٔ بین‌المللی، به تعویق انداختن و اهمال کردن»
- (۱) شش (۲) هفت (۳) هشت (۴) نه
۷. ابیات زیر به ترتیب، سرودهٔ چه کسانی هستند؟
- الف) عشق بازی کار بیکاران بود / عاقلش با کار بیکاران چه کار؟  
ب) جهد بر توست و بر خدا توفیق / زان که توفیق و جهد هست رفیق
- (۱) بیدل دهلوی، نظامی گنجوی  
(۲) نعمت‌الله ولی، سنایی  
(۳) صائب تبریزی، مسعود سعد سلمان  
(۴) نظام وفا، ملا محسن فیض کاشانی



۸. آرایه‌های مقابل کدام دو بیت، «کاملاً» درست است؟  
 الف) جام شراب مرهم دل‌های خسته است / خورشید مومیایی ماه شکسته است (تشبیه، اسلوب معادله)  
 ب) گره‌گشای دل تنگ نغمهٔ چنگ است / سهیل سیب زنخدان شراب گلرنگ است (جناس، تشبیه)  
 ج) ای صبا بی‌مروت برق تازی واگذار / روح بیمار زلیخا هم‌ره پیراهن است (تلمیح، ایهام)  
 د) پیش ما دشنام جانان از شکر شیرین‌تر است / روح تلخ بحر از آب گهر شیرین‌تر است (ایهام تناسب، حس آمیزی)
- ۱) الف، ب      ۲) الف، د      ۳) ب، ج      ۴) ب، د
۹. در کدام بیت «ایهام، ایهام تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟  
 ۱) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر / ای دیده نگه کن که به دام که در افتاد  
 ۲) غنیمتی شمر ای شمع، وصل پروانه / که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند  
 ۳) مرغ دل باز هوادار کمان ابرویی است / ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد  
 ۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه / که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد
۱۰. آرایه‌های ادبی بیت زیر، در کدام گزینه درست آمده است؟  
 «به روز تیرهٔ ما صبح، شکر خنده‌ها دارد / نمی‌داند که این شادی دم دیگر نمی‌ماند»  
 ۱) مجاز، استعاره، تضاد، تشخیص  
 ۲) تشخیص، تشبیه، حس آمیزی، ایهام  
 ۳) پارادوکس، ایهام تناسب، مجاز، حس آمیزی  
 ۴) تشبیه، حس آمیزی، پارادوکس، استعاره
۱۱. آرایه‌های مقابل همهٔ ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:  
 ۱) چه سان مزگان خونین گریهٔ ما را نگه دارد / کجا مرجان به زور پنجه دریا را نگه دارد؟ (اسلوب معادله، ایهام)  
 ۲) پهلوی به حیات ابدی می‌زند آن زلف / این است سوادی که به اصل است مطابق (ایهام تناسب، کنایه)  
 ۳) عزیز قدردانی نیست در مصر سخن‌سنجی / ندارد و نه جنسی غیر یوسف کاروان ما (ایهام، استعاره)  
 ۴) اگر چه تخم طمع زردرویی آرد بار / زکات رنگ به گلشن دهد گدای قدح (مجاز، تشبیه)
۱۲. در میان مصراع‌های زیر، اجزای چند جمله «نهاد + مفعول + فعل» است؟  
 الف) آن پی مهر تو گیرد که نگیرد پی خویشش  
 ب) نشستم تا برون آبی خرامان  
 ج) تو در عالم نمی‌گنجی ز خوبی  
 د) دوست دارد آن که داری دوستش
- ۱) دو      ۲) سه      ۳) چهار      ۴) پنج
۱۳. تعداد «وابسته‌های وابسته» در کدام بیت، بیش‌تر است؟  
 ۱) آن که ناوک بر دل من زیر چشمی می‌زند / قوت جان حافظش در خندهٔ زیر لب است  
 ۲) شهسوار من که مه آینه‌دار روی اوست / تاج خورشید بلندش خاک نعل مرکب است  
 ۳) خدا چو صورت ابروی دلگشای تو بست / گشاد کار من اندر کرشمه‌های تو بست  
 ۴) شرح شکن زلف خم اندر خم جانان / کوتاه نتوان کرد که این قصه درازست
۱۴. در کدام عبارت، واژه‌ای یافت می‌شود که با از دست دادن معنای پیشین و پذیرفتن معنای جدید، به دوران بعد منتقل شده است؟  
 ۱) مردی به طلب درزی آمد و خبر مرگ درزی نداشت.  
 ۲) پس چون یک چند برآمد ملک روم خراج باز گرفت.  
 ۳) صحرا را دریایی دریافت در جوش و هوایی از بانگ اسبان با برگستوان.  
 ۴) گروهی را گفت به دکان و بازار باشید و کار کنید و دبیران را گفت به دیوان نشینند.



۱۵. نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر به ترتیب، کدام است؟  
 «من به غیر از تو کسی یار نگیرم آری / همت آن است که آلا تو نگیرد باری»  
 (۱) نهاد، مفعول، قید، نهاد  
 (۲) مفعول، مسند، قید، متمم  
 (۳) مفعول، بدل، شبه‌جمله، متمم  
 (۴) بدل، مفعول، شبه‌جمله، نهاد
۱۶. با توجه به رباعی زیر همه گزینه‌ها کاملاً درست هستند؛ به جز:  
 «از باغ جمالت آگه ار بودی گل / این راه پر از خار نیمودی گل»  
 با این همه خاها که در پی دارد / چون آمد و چون رفت بدین زودی گل»  
 (۱) چهار ترکیب وصفی و یک اضافه تشبیهی در ابیات یافت می‌شود.  
 (۲) گل در دو مصراع نقش نهادی و در یک مصراع نقش مفعولی دارد.  
 (۳) سه مصراع به شیوه بلاغی و یک مصراع به شیوه عادی سروده شده است.  
 (۴) در رباعی فوق «سه جمله سه جزئی» و «دو جمله دو جزئی» یافت می‌شود.
۱۷. مفهوم کدام بیت با بقیه، متفاوت است؟  
 (۱) جوش فرهاد است از کهسار من سرچشمه‌ای / شور مجنون گردبادی از بیابان من است  
 (۲) می‌کند در سینه گرم قیامت، شور عشق / صبح محشر خنده چاک گریبان من است  
 (۳) شور عشق من فلک‌ها را به چرخ آورده است / کشتی افلاک بی‌لنگر ز طوفان من است  
 (۴) می‌فشانم نور خود بر تیره‌روزان بی‌دریغ / خرمن ماهم پریشانی نگهبان من است
۱۸. عبارت «این صلت، فخر است، پذیرفتم و باز دادم که مرا به کار نیست.» با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟  
 (۱) گرفتمت که هزاران متاع از اینسان هست / کدام حيله کنی تا فروخت بتوانی  
 (۲) به راحت نفسی رنج پایدار مجوی / شب شراب نیر زد به بامداد خمار  
 (۳) نکنم رغبت دنیا که متاعی است قلیل / شاهبازان به گه صید نگیرند مگس  
 (۴) غایت کام و دولت است آن که به خدمت رسید / بنده میان بندگان فخر کند به چاکری
۱۹. مفهوم کدام بیت در مقابل آن «غلط» آمده است؟  
 (۱) صنمی لشکریم غارت دل کرد و برفت / آه اگر عاطفت شاه نگیرد دستم (طلب دادخواهی)  
 (۲) اگر ز مردم هشیاری ای نصیحت گو / سخن به خاک می‌فکن چرا که من مستم (مستی و راستی)  
 (۳) چرخ برهم زخم ار غیر مرادم گردد / من نه آنم که زبونی کشم از چرخ فلک (بلندنظری)  
 (۴) حدیث عشق که از حرف و صوت مستغنی است / به ناله دف و نی در خروش و ولوله بود (آوازه محبت)
۲۰. کدام بیت با عبارت زیر، قرابت مفهومی دارد؟  
 «اندر همه کاری داد از خویشتن بده که هر که داد از خویشتن بدهد از داور مستغنی باشد.»  
 (۱) دلیر در سر بازار حشر خرج کند / گرفت هر که زر خویش را عیار امروز  
 (۲) شور سحر اگر باورتان نیست / گل مصحف صد برگ به سوگند گشوده است  
 (۳) زود باشد حشرشان در خاک با قارون شود / این گران جانان که سیم و زر به روی هم نهند  
 (۴) حلال و خوش‌خور و طاعت کن و دروغ مگوی / بر این سه کار بری روز حشر گوی عمل



۲۱. مفهوم بیت زیر با کدام بیت، یکسان است؟

«فرع‌ها را از رجوع اصل بیدل، چاره نیست / راه‌ها سر بسته بود آخر به خود باز آمدیم»

- ۱) فرع را از اصل خویش آگاه باید زیستن / شیشه را سامان مستی غافل از خارا نکرد
- ۲) اصل است که فرع می‌نماید / زان اصل کسی گذر ندارد
- ۳) مادر فرزند جویان وی است / اصل‌ها مر فرع‌ها را در پی است
- ۴) هین خمش کن به اصل راجع شو / دیده راجعون نمی‌خسبد

۲۲. همه ابیات با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؛ به جز:

«اولاً تجرید شو از هر چه هست / وانگهی از خود بشو یک بار دست»

- ۱) سر کوبش هوس داری هوس را پشت پایی زن / در آن اندیشه یک رو شو دو عالم را قفایی زن
- ۲) بر سر کوی وصل تو مرغ صفت پریدمی / آه اگر نسوختی آتش هجر بال من
- ۳) شمع سان پیشت بخواهم سوخت سر تا پا که من / در فنای خویش می‌بینم بقای خویشتن
- ۴) گر تو سر خواهی ز من سر با تو بسپارم به چشم / سر چه باشد هر چه دارم در نظر آرم به چشم

۲۳. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«گلّه ما را گله از گرگ نیست / کاین همه بیداد شبان می‌کند»

- ۱) دل به من گوید چون آب تو از سر بگذشت / روی بر خاک نه از جور وی و زار بنال
- ۲) مرا بگذشت آب و رفت از سر / بر این حالمدار نیست در خور
- ۳) سخن هر چه گفتم همه خیره بود / که آب روان از بنه تیره بود
- ۴) زندگی در مردن و در محنت است / آب حیوان در درون ظلمت است

۲۴. مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

«گل اگرچه هست بس صاحب جمال / حسن او در هفته‌ای گیرد زوال»

- ۱) شد نخل ماتم از دم افسرده خزان / تا راست کرد قامت خود را نهال گل
- ۲) برگ گل لعل بود شاهد بزم بهار / آب گلستان ببرد شاهد گلروی من
- ۳) می‌گرفتن تنگ اگر در غنچگی بر خویشتن / می‌توانستم چو گل مشت زری پیدا کنم
- ۴) گل چو بر ناله مرغان چمن خنده زند / چه کند بلبل شب‌خیز که سودا نکند

۲۵. مفهوم کنایی بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

«عقل میدان سخن بر عاقلان کرده است تنگ / ورنه مجنون با در و دیوار می‌گوید سخن»

- ۱) نیست در روی زمین گوشه سزاوار سخن / چون نبندد طوطیان را زنگ در منقار حرف؟
- ۲) گوهر شهوار مزد لب به جا وا کردن است / ای نصیحت را به خاطر از صدف داریم ما
- ۳) نمی‌توان ز سخن ساختن خموش مرا / که چون صدف ز دهان است رزق گوش مرا
- ۴) دهان مور را بر خاک دارد بی‌زبانی‌ها / مرا تیغ زبان چون مار بی‌زناهار بایستی





## رشته انسانی

۱. «خیمه، هراس، اصل هر چیز، خنجر» به ترتیب، معانی کدام واژه‌هاست؟
- (۱) دژ، هژا، مقیاس  
(۲) عرش، رعب، ملاک، دشنه  
(۳) سریر، مهیب، معیار، تیغ  
(۴) شراع، دمان، سنجش، سنان
۲. معنی همه واژه‌ها در مقابل آن‌ها درست آمده است؛ به جز:
- (۱) (صنف: گونه) (شایق: درخور) (گیوه: پای افزار)  
(۲) (رایت: درفش) (سست‌عنصر: بی‌غیرت) (فایق: پیروز)  
(۳) (کافی: دانای کار) (شائبه: شک و گمان) (تمکن: ثروت)  
(۴) (چابک: تند و فرز) (فراخ‌تر: راحت‌تر) (تعبیه کردن: قرار دادن)
۳. کدام گزینه، می‌تواند معانی مناسبی برای تعداد بیش‌تری از واژه‌های زیر باشد؟
- «ارتفاع، محظور، هویدا، واتر‌فیدن، کریت، حریف»
- (۱) بهره‌ور، مانع، روشن، تحریر  
(۲) عایدات مملکت، بهره‌ور، آشکار، غم  
(۳) مانع، آشکار، پس‌روی کردن، همراه  
(۴) زمین‌های زراعتی، گرفتاری، اندوه، همدم
۴. در کدام عبارات، «غلط املائی» وجود دارد؟
- الف) اسراف آن باشد که بر خلاف رضای حق و در حفظ نفس خرج کند.  
ب) اعراض، روی از خدای گردانیدن است و به هوا مشغول شدن.  
ج) غرور، جاه و مال و فریفته شدن و صراط و صواب و ترازو را فراموش کردن است.  
د) در حفظ مال و ملک رعیت کوشند و در امارت و زراعت جدّ بلیغ نمایند.
- (۱) الف، د (۲) ب، د (۳) ج (۴) ج، د
۵. در میان واژه‌های داده شده، املا و رسم‌الخط چند واژه درست است؟
- «مخدول و زبون گردیده، تشییع و بدرقه، شیر و آقوز، ضمیمه و پیوست. مخنقه و قلّاده، مظغ و جویدن، عنبان و مشک، لطیفه‌گویی و دل‌کمی، مسحور و مفظون، محوّطه و سحن، راحت و مرفّح. مخمصه و تنگنا، لئیمی و فرومایه‌گی، سیاره ذحل و مریخ»
- (۱) پنج (۲) شش (۳) هفت (۴) هشت
۶. در متن زیر، چند غلط املائی وجود دارد؟
- «پس تأثیر عنایت ازلی او را در کار بندگی هر ساعت مجدّتر می‌گرداند و شوق عشق او به غایت‌تر می‌رساند و او با قلبات شوق و رقبات ذوق در کثرت مجاهده و جودت معامله می‌افزاید و آن شجره عبودیت هر روز طراوتی دیگر می‌گیرد.»
- (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج
۷. ابیات زیر به ترتیب، سروده چه کسانی هستند؟
- الف) اولاً تجرید شو از هر چه هست / وانگهی از خود بشو یک بار دست  
ب) سرو و مهت نخوانم خوانم، چرا نخوانم؟ / هم ماه با کلاهی هم سر و با قبایی
- (۱) سلمان ساوجی، خاقانی  
(۲) محمدتقی بهار، منوچهری  
(۳) هاتف اصفهانی، بیدل دهلوی  
(۴) اسیری لاهیجی، فرخی سیستانی



۸. آرایه‌های «تشبیه، مجاز، حسن تعلیل و ایهام» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟  
 الف) به قامت خوش خوبان نگاه می‌کردم / لباس حسن تو دیدم به قد هر یک راست  
 ب) اگر جمال تو با عاشقان کرشمه نکرد / ز بهر چه شر و آشوب از جهان برخاست  
 ج) دو اسبه پیک نظر می‌دانم از چپ و راست / به جست‌وجوی نگاری که نور دیده‌امست  
 د) به غمزه گر نربودی دل همه عالم / ز عشق تو دل جمله جهان چرا شیداست  
 (۱) الف، د، ب، ج (۲) الف، ج، د، ب (۳) ج، د، ب، الف (۴) ج، ب، د، الف
۹. آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:  
 (۱) راستی را بنده شمشاد بالای توام / ورنه من آزادم از هر سرو بستانی که هست (استعاره، ایهام)  
 (۲) دیدی که غمت به خون من می‌کوشد / تو نیز به کشتنم میان دربستی (مجاز، کنایه)  
 (۳) مهر رخسار تو در جان من شوریده دل / همچو ماه چارده در کنج ویران تافته است (تشبیه، ایهام)  
 (۴) گر زان که نرنجیده‌ای از ما به خطایی / چین در خم ابروی تو ای ترک ختا چیست؟ (حسن تعلیل، جناس)
۱۰. آرایه‌های بیت زیر، کدامند؟  
 «ز مهر روی او عمری است تا دم می‌زنی «سلمان» / به مهرش صادقی چون صبح از آن مشهور آفاقی»  
 (۱) ایهام، استعاره، حس‌آمیزی، کنایه (۲) ایهام، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز  
 (۳) حسن تعلیل، ایهام، ایهام تناسب، حس‌آمیزی (۴) حسن تعلیل، استعاره، ایهام تناسب، جناس ناقص
۱۱. در بیت زیر، «چند ایهام تناسب و چند جناس» وجود دارد؟  
 «می‌ساختم چون بربط و می‌سوختم چو عود / زیرا که چاره دل من سوز و ساز بود»  
 (۱) دو - دو (۲) سه - سه (۳) یک - دو (۴) دو - سه
۱۲. اجزای تشکیل‌دهنده همه جمله‌ها در مقابل آن‌ها، «کاملاً» درست است؛ به جز:  
 (۱) دانشجویان تازه‌وارد با وضعیت کنونی خوابگاه کنار آمدند. (نهاد + متمم + فعل)  
 (۲) از ابتدای برنامه، شور و هیجان خاصی در وجود معلم احساس می‌کردم. (نهاد + مفعول + فعل)  
 (۳) این فضای معنوی را دوست پدرم از سالیان پیش، ترتیب داده بود. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)  
 (۴) در شرایط سخت و طاقت‌فرسای اسارت، همه چیز را مخفی می‌کردم. (نهاد + مفعول + مسند + فعل)
۱۳. «ترکیب‌های اضافی» در کدام بیت، بیش‌تر است؟  
 (۱) شعر حافظ در زمان آدم اندر باغ خلد / دفتر نسرین و گل را زینت اوراق بود  
 (۲) از دم صبح ازل تا آخر شام ابد / دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود  
 (۳) رشته تسبیح اگر بگسست معذورم بدار / دستم اندر ساعد ساقی سیمین ساق بود  
 (۴) حسن مه‌رویان مجلس گرچه دل می‌برد و دین / بحث ما در لطف طبع و خوبی اخلاق بود
۱۴. در کدام گزینه، دو نوع وابسته وابسته دیده می‌شود؟  
 الف) به چشم اشکبار من چه خواهد کرد حیرانم / که آتش را به چشم آن روی تابان آب گرداند  
 ب) مجوی عیش خوش از دو بازگون سپهر / که صاف این سر خم جمله دردی آمیز است  
 ج) خنده جام می و زلف گره گیر نگار / ای بسا توبه که چون توبه حافظ بشکست  
 د) خط به گرد لب جانبخش تو می‌دانی چیست؟ / ظلماتی که از آن چشمه حیوان سر زد  
 (۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د



۱۵. در بیت زیر نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟  
 «گریه تلخ است چون گل حاصلش از زندگی / عمر خود هرکس که صرف شادمانی کرده است»  
 (۱) مسند، نهاد، مفعول، نهاد  
 (۲) نهاد، متمم، نهاد، مسند  
 (۳) مسند، متمم، مفعول، نهاد  
 (۴) مسند، نهاد، مضاف‌الیه، بدل
۱۶. با توجه به ابیات زیر، کدام مورد از دیدگاه زبان فارسی «غلط» است؟  
 «علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد / دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست  
 به روزگار سلامت سلاح جنگ بساز / وگرنه سیل چو بگرفت سد نشاید بست»  
 (۱) در کل ابیات چهار مفعول وجود دارد.  
 (۲) دو جمله غیرساده در ابیات یافت می‌شود.  
 (۳) اجزای مصراع سوم «نهاد + مفعول + متمم + فعل» است.  
 (۴) ابیات فاقد ترکیب وصفی و دارای سه ترکیب اضافی است.
۱۷. مفهوم کدام بیت، متفاوت است؟  
 (۱) قامت پیری ز حرصت شد کمینگاه امل / ور نه خم گردیدند بر هر دو عالم پشت پاست  
 (۲) حرص و یک عالم فضولی خواه طاقت خواه عجز / جز جوانی‌ها از این بی‌پیر نتوان یافتن  
 (۳) دو بالا می‌شود طول امل چون قد دو تا گردد / که مار از امتداد روزگاران اژدها گردد  
 (۴) پیش راه حرص پیری چوب نتواند گذاشت / بیش تر دست طمع کار از عصا گردد بلند
۱۸. همه ابیات با بیت زیر، تناسب مفهومی دارند؛ به جز:  
 «من و مقام رضا بعد از این و شکر رقیب / که دل به درد تو خو کرد و ترک درمان گفت»  
 (۱) هر که روزی بی‌رضایش چهره زیباش دید / بی‌خلاف از وی برآرد داغ بی‌صبری دمار  
 (۲) در خرابات رضا نشو و نما یافته‌ام / درد میخانه قسمت می سر جوش من است  
 (۳) مرا به بند تو دوران چرخ راضی کرد / ولی چه سود که سررشته در رضای تو بست  
 (۴) صبر و تحمل است و رضا چاره با قضا / تدبیر این قضیه برون زین سه چار نیست
۱۹. کدام بیت، با بیت زیر «تقابل» مفهومی دارد؟  
 «رزق هر چند بی‌گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها»  
 (۱) قانع از رزق پریشان با دل صد پاره شو / روزی آماده می‌خواهی برو غمخوار شو  
 (۲) گرچه از آتش زبانی شمع این نه محفلم / نیست رزقی جز سر انگشت پشیمانی مرا  
 (۳) دخل و خرج خویش را چون مه برابر هر که کرد / کم نگردد روزی اش هرگز ز خوان آفتاب  
 (۴) دست بیعت با توکل داده‌ام روز ازل / از برای رزق کوشیدن نمی‌آید ز من
۲۰. کدام بیت، مفهومی نظیر بیت زیر را دارد؟  
 «در عشق کسی قدم نهاد کش جان نیست / با جان بودن به عشق در سامان نیست»  
 (۱) یار اگر جلوه کند دادن جان این همه نیست / عشق اگر خیمه زند ملک جهان این همه نیست  
 (۲) جذبه عشق کشانید به کیشی ما را / که ز هفتاد و دو ملت همه بیزار شدیم  
 (۳) عشق بازی چیست سر در پای جانان باختن / با سر اندر کوی دلبر عشق نتوان باختن  
 (۴) گر گریزد عاشق از زاهد عجب نبود که نیست / الفتی با یکدگر دیوانه و فرزانه را



**۲۱. مفهوم کدام بیت با سایر ابیات، تفاوت دارد؟**

- (۱) دل شکسته حافظ به خاک خواهد برد / چو لاله داغ هوایی که بر جگر دارد
- (۲) چنین که در دل من داغ زلف سرکش توست / بنفشه زار شود تربتم چو در گذرم
- (۳) به عشق روی تو روزی که از جهان بروم / ز تربتم بدمد سرخ گل به جای گیاه
- (۴) باشد غم هجر تو به خونابه بر آن نقش / گر از سر خاکم بدمد برگ گیاهی

**۲۲. بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟**

«عشق و درویشی و انگشت‌نمایی و ملامت / همه سهل است تحمل نکنم بار جدایی»

- (۱) زبان خامه ندارد سر بیان فراق / وگرنه شرح دهم با تو داستان فراق
- (۲) به پیش شمع اگر پروانه سوزد نیست دشوارش / چه باک از سوختن او را که بر بالین بود یارش
- (۳) دامنی دارم پر از خون چون نگفتم شکر وصل / در کنار خویشتن دیدم سزای خویش را
- (۴) شنیده‌ام سخنی خوش که پیر کنعان گفت / فراق یار نه آن می‌کند که بتوان گفت

**۲۳. مفهوم مقابل کدام بیت «غلط» است؟**

- (۱) کرسی چه حاجت آن را کز عرض بر گذشته است / از زیر پای منصور کرسی کشید باید (فناء فی الله)
- (۲) منشور رستگاری است طومار خود حسابان / در روزنامه خود هر روز دید باید (حاسبوا قبل ان تحاسبوا)
- (۳) چون رنگ می ز مینا بیرون دوید باید / نه پرده فلک را از هم درید باید (کل اناء یترشح بمافیة)
- (۴) نوش دکان هستی آمیخته است با نیش / چون خنده‌ای دهد رو لب را گزید باید (الدهر یومان یوم لک و یوم علیک)

**۲۴. بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟**

«مگر به تیغ اجل خیمه بر کنم ورنه / رمیدن از در دولت نه رسم و راه من است»

- (۱) اگر پیش از اجل یک دم بمیری / در آن یک دم دو عالم را بگیری
- (۲) با چنین عمری که ما بر حال خود درمانده ایم / کس نمی‌داند چه می‌خواهد اجل از جان ما
- (۳) تا نزند بر سرم دست اجل آستین / کیست که برگیردم روی از این آستان
- (۴) زندگی از وصل اوست و ز غم او چاره نیست / گر بکشد گو بکش پیش از اجل کس نمرد

**۲۵. بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟**

«ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند / تا تو نانی به کف آری و به غفلت نخوری»

- (۱) سر به جیب فکر بر تا از فلک بیرون شوی / بر کمی زن تا چو ماه عید روزافزون شوی
- (۲) آسیای فلک از بهر تو سرگردان است / تو ز اندیشه روزی چه پریشان شده‌ای؟
- (۳) پیچیدن سر پنجه من کار فلک نیست / کز دهشت من پنجه هم زور شود خشک
- (۴) آسمان است تو را ضامن روزی و ز حرص / رزق خود را تو ز هر در چو گدا می‌طلبی

**رشته هنر**

**۱. معنی هر یک از واژه‌های زیر به ترتیب، کدام است؟**

«خَنیده، طین، برگاشتن، اسرا»

- (۱) پژواک، گل، برگشتن، گرفتاران
- (۲) مشهور، تربت، برگشتن، دستگیرشدگان
- (۳) پرآوازه‌تر، خاک، برگردانیدن، دستگیرشدگان
- (۴) مشهور، گل، برگردانیدن، در شب سیر کردن



۲. کدام گزینه، می‌تواند معانی مناسبی برای تعداد بیش‌تری از واژه‌های زیر باشد؟
- «مُکاری، مرمت، مخمصه، مگسل، منال، ملازم»
- ۱) کرایه‌دهنده، اصلاح و رسیدگی، همراه، مردانگی
  - ۲) اصلاح و رسیدگی، مردانگی، همراه، سرمایه
  - ۳) کرایه‌دهنده، درآمد مستغلات، مردانگی، سرمایه
  - ۴) اصلاح و رسیدگی، رها مکن، درآمد مستغلات، همراه
۳. در کدام گزینه، معنی همهٔ واژه‌ها درست آمده است؟
- ۱) (زبون: ناتوان) (رشحه: قطره) (دمان: مهیب)
  - ۲) (دها: زیرک) (دوال: پوست) (خایب: بی‌بهره)
  - ۳) خور: زمین پست) (دژم: خشمگین) (ثقت: مطمئن)
  - ۴) (چنبر: طریق) (خبت: پلید) (پویدن: تلاش)
۴. در کدام عبارت «غلط املائی» وجود دارد؟
- ۱) امیر را از مال در کار آورد تا جانب مرؤت مهمل گذاشت و ارتکاب این محذور به خلاف طریقت جایز شمرد.
  - ۲) عرضگه و شمار لاشکر را وضعی ساخته‌اند که دفتر عرض را بدان معدوم کرده‌اند و اصحاب آن را مغلوب.
  - ۳) هنگام مقابله و مقاتله سر به سر زاید باشند و هیچ کدام به میدان مبارزه فاحش و بارز نکرد.
  - ۴) بدین قیاس و نمط هر مصلحتی که پیش آید به مردی یا به چیزی احتیاج افتد به امیر حواله کنند.
۵. در متن زیر، چند غلط املائی یافت می‌شود؟
- «ملائکة عالم اعلیٰ به عجز از ادراک این معنی اعتراف نموده که ما عَرَفْنَاكَ حق معرفتک. ختم بیابان معرفت که داند که سالک این راه را در هر قدمی، فدحی بدهند و مستی تنگ شراب، ضعیف اهتمال [را] در قدم اول به یک قدم اول به یک قدح مست و بی‌هوش می‌گرداند و طاقت ساغر ذلال محبت نمی‌آرند و به وحد از حضور غایب می‌گردند و در بیقولهُ حیرت می‌مانند.»
- ۱) دو      ۲) سه      ۳) چهار      ۴) پنج
۶. در کدام عبارت، «غلط املائی» وجود دارد؟
- ۱) چون قالب طنش صواب نماید ابتدا کند به نام خدای عَزَّوَجَلَّ و توکل بر وی.
  - ۲) اهل دنیا طالب فراخی معیشت و رفعت منزل و رسیدن به ثواب آخرت هستند.
  - ۳) او را به سبب عقیدت پاک از آن ورطهٔ هایل خلاص داد و تمکّن او به غایت انجامید.
  - ۴) او از سر انبساط به جواب موحش قیام نمود و آن چه واجب بود از مضایق و مناصح به اتمام رساند.
۷. عبارات زیر، به ترتیب از چه کسانی هستند؟
- الف) گر بدین حال تو را محتسب اندر بازار ببیند، بگیرد و حد زند.
- ب) مرد باید در میان بازار مشغول تواند بود، چنان که یک لحظه از حق تعالی غایب نشود.
- ۱) نجم‌الدین رازی، محمد بن منور
  - ۲) محمد عوفی، عین‌القضات همدانی
  - ۳) خواجه نظام‌الملک، عطار نیشابوری
  - ۴) عنصرالمعالی کیکاووس، محمد بن منور



۸. آرایه‌های «استعاره، حسن تعلیل، پارادوکس، کنایه و تضاد» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟  
 الف) عمر چو باد به تعجیل از آن می‌گذرد / که تو غافل کنی از گاه جدا دانه خویش  
 ب) بر نمی‌آیم به تسکین دل خودکام خویش / چون فلک در بی‌قراری دیده‌ام آرام خویش  
 ج) عاشق چرا امید نبندد به عشق پاک / شب‌نم عزیز باغ شد از چشم پاک خویش  
 د) حرص بر من دردهای نسیه را کرده است نقد / صبح ناگردیده می‌افتم به فکر شام خویش  
 ه) آن زلف همچو دام که عمرش دراز باد / هرگز نکرد یاد اسیران خاک خویش  
 (۱) الف، ج، د، ه، ب (۲) الف، د، ب، ه، ج (۳) ج، الف، ب، ه، د (۴) ج، ب، د، ه، الف

۹. بیش‌ترین مجاز در کدام بیت، یافت می‌شود؟

- (۱) هر سروقد که بر مه و خور حسن می‌فروخت / چون تو درآمدی، پی کاری دگر گرفت  
 (۲) بنال بلبل اگر با منت سر یاری است / که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است  
 (۳) یک سر بی‌کبر در نمرود زار خاک نیست / کاسه هر کس که می‌بینم از این صهبا پر است  
 (۴) می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست / از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت  
 ۱۰. آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟

«ز بند حرص بر آهو چه نازی نفس را چون سگ / به صحرای قناعت رو که بی‌آهوست آن صحرا»

- (۱) تشبیه، ایهام تناسب، استعاره، تضاد (۲) تشبیه، مجاز، کنایه، پارادوکس  
 (۳) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، تضاد (۴) استعاره، پارادوکس، ایهام تناسب، مراعات نظیر

۱۱. آرایه‌های همه ابیات در مقابل آن‌ها درست است؛ به‌جز:

- (۱) گرت سودای آن باشد کزین سودا برون آیی / زهی سودا که خواهی یافت فردا از چنین سودا (جناس تام، مجاز)  
 (۲) به بزمگاه چمن دوش، مست بگذشتم / چو از دهان توام غنچه در گمان انداخت (مجاز، ایهام)  
 (۳) چون دل شب می‌زنم سائب بر آهنگ فغان / می‌کشانم بر زمین از آسمان ناهید را (اغراق، استعاره)  
 (۴) ببر زین خاکدان زنهار با خود سرمه بینش / وگر نه کور هیپات است در محشر شود بینا (تشبیه، واج‌آرایی)

۱۲. اجزای جمله‌های تشکیل‌دهنده همه ابیات «نهاد + مسند + فعل» است؛ به‌جز:

- (۱) از دود آه ماست که ابر آشکارگشت / و ز سیل اشک ماست که دریا پدید شد  
 (۲) صیاد من آن است که نخجیر تو گردد / سلطان من آن است که هندوی تو باشد  
 (۳) دستگیر خستگان جام می گلرنگ شد / مشرب آتش عذاران آب آتش رنگ بود  
 (۴) در راه مهر نیست به جز سایه همنشین / در کوی عشق نیست به جز ناله هم‌نفس

۱۳. نمودار کدام گروه اسمی «غلط» است؟

- (۱) سپهر این ره عالی صفت  
 (۲) بلندترین کوه روی کره خاکی  
 (۳) مشتاق دیدار سیمرغ کوه قاف  
 (۴) این دریای بی‌پایان خونخوار



۱۴. در عبارت زیر، نقش واژه‌های مشخص شده به ترتیب، کدام است؟  
گفت: «خاموش! که در پستی مردن، به که حاجت پیش کسی بردن.»  
(۱) نهاد، نهاد، متمم، مسند  
(۲) نهاد، مسند، مسند، متمم  
(۳) مسند، نهاد، مسند، متمم  
(۴) مسند، متمم، نهاد، نهاد
۱۵. در بیت زیر «چند مسند و چند قید» به ترتیب، یافت می‌شود؟  
«اگر گرد کسی بسیار گردی / اگر چه بس عزیزی خوار گردی»  
(۱) دو - دو  
(۲) دو - سه  
(۳) سه - دو  
(۴) سه - سه
۱۶. کدام مورد، از دیدگاه زبان فارسی «غلط» است؟  
«مظلوم دست بسته مغلوب را بگوی / تا چشم برق قضا کند و صبر بر جفا  
کاین دست بسته را بگشایند عاقبت / و آن گشاده باز ببندند بر قفا»  
(۱) «و» یک بار حرف ربط و یک بار حرف عطف است.  
(۲) اجزای جمله اول «نهاد + مفعول + متمم + فعل» است.  
(۳) در ابیات فوق «پنج ترکیب وصفی» و «دو قید» یافت می‌شود.  
(۴) «را» در مصراع اول حرف اضافه و در مصراع سوم نشانه مفعولی است.
۱۷. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟  
«چون شیر به خود سپه شکن باش / فرزند خصال خویشتن باش»  
(۱) همچو کمان سخت ز طبع غیور خویش / آسوده از کشاکش خلقم ز زور خویش  
(۲) سرسبز آن که سعی کند در هلاک خویش / چینه چون سرو دامن همت ز خاک خویش  
(۳) ز گاهواره تسلیم کن سفینه خویش / میان بحر بلا در کنار مادر باش  
(۴) گوهر نمای جوهر ذاتی خویش باش / خاکش به سر که زنده به نام پدر بود
۱۸. مفهوم کدام بیت، با دیگر ابیات، متفاوت است؟  
(۱) در کلبه من گرد علایق نبود فرش / سیلاب، تهی دست ز کاشانه من شد  
(۲) خاطر کی رقم فیض پذیرد هیئات / مگر از نقش پراکنده ورق ساده کنی  
(۳) خار صحرای علایق نیست دامنگیر من / گردبادم، ریشه من بال پرواز من است  
(۴) بی‌برگی من از سخن سرد طمع بود / مَه‌ری که زدم بر لب خود دانه من شد
۱۹. مفهوم ابیات زیر مصداق کدام آیه شریفه است؟  
«زدم تیشه یک روز بر تل خاک / به گوش آمدم ناله‌ای دردناک  
که زنهار اگر مردی آهسته‌تر / که چشم و بناگوش و روی است و سر  
(۱) اِنِّیْ اَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ  
(۲) عِلْمُ اَدَمَ السَّمَاءِ کُلِّهَا  
(۳) اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَه  
(۴) اِنِّیْ خَالِقُ بَشَرًا مِّنْ طِیْنٍ
۲۰. کدام ابیات، مفهومی مشترک دارند؟  
الف) مردم همان ز سایه ما فیض می‌برند / مانند سرو و بید اگر بی‌بر آمدیم  
ب) ما را به چشم شور، حسودان گداختند / هر چند تشنه لب ز لب کوثر آمدیم  
ج) چون باده آب شد ز لگد استخوان ما / تا از حریم خم به لب ساغر آمدیم  
د) چندین هزار بار فشانندیم خویش را / تا همچو آب در نظر گوهر آمدیم  
ه) از زهر سبز شد قلم استخوان ما / تا در مذاق اهل جهان شکر آمدیم  
(۱) ج، د، ه  
(۲) ب، ج، د  
(۳) الف، ب، ج  
(۴) الف، ب، ه



**۲۱. مفهوم کلی همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز:**

- (۱) ز همت ساخت عیسی بر سپهر چارمین منزل / کلید فتح گردون همت مردانه می‌باشد
- (۲) من همه همت بر اسباب سفر دارم مرا / در حضر ساز مهیا بر نتابد بیش از این
- (۳) اهلی گرت ز نخل رطب دست کوتاه است / همّت بلند دار که روزی مَقْدَر است.
- (۴) نیست از همّت خود با دو جهاتم کاری / همّتی دارم اگر هیچ ندارم باری

**۲۲. کدام بیت، در بردارندهٔ مفهوم بیت زیر است؟**

«چه در کار و چه در کار آزمودن / نباید جز به خود محتاج بودن»

- (۱) مینداز در پای کار کسی / که افتد که در پایش افتی بس
- (۲) یاری که در او اهلیتی نیست مگیر / کاری که در او منفعتی نیست مکن
- (۳) بیکاری و توکل دور است از مروّت / بر دوش خلق مفکن زنهار بار خود را
- (۴) کار عالم نیک دیدم هج بر بنیاد نیست / بر دل خاصان ز عالم جز غم و بیداد نیست

**۲۳. کدام بیت، «فاقد» مفهوم بیت زیر است؟**

«مستمع چون تازه آید بی ملال / صد زبان گردد به گفتن گنگ و لال»

- (۱) مستمع داند به جد آن خاک را / چشم و گوش داند او خاشاک را
- (۲) سخنوری نتوان بی سخن شنو کردن / سخن به گوش بود بیش از زبان محتاج
- (۳) مستمع چون تشنه و جوینده شد / واعظ از مرده بود گوینده شد
- (۴) عطار در دل و جان اسرار دارد از تو / چون مستمع نیابد پس چون کند روایت

**۲۴. مفهوم کلی همهٔ ابیات یکسان است؛ به جز:**

- (۱) حدیث عشق نگیرد به زاهدان هرگز / ز بوی گل نشود جغد شادمان هرگز
- (۲) شوخی عشق نگرده به کهنسالی کم / دل چو افتاد جوان، پیر نگرده هرگز
- (۳) مرّه هوش جز انگشت پشیمانی نیست / مست خوب است که هشیار نگرده هرگز
- (۴) به عاقلان نتوان دوخت داغ سودا را / تنور سرد نگیرد به خویش نان هرگز

**۲۵. مفهوم مقابل کدام بیت «غلط» است؟**

- (۱) راضی به قضا باش که در خاطر خرسند / چندان که نظر کار کند ناز و نعیم است (پذیرش مشیت الهی)
- (۲) در دیدهٔ روشن گهران هر ورق گل / از نور تجلی ید بیضای کلیم است (اسرار رموز الهی)
- (۳) کسی که قاف قناعت وطن چو عنقا کرد / کجا دگر به دو عالم سرش فرود آید (مناعت طبع)
- (۴) عشق هر کس را نهد بر چهره خال انتخاب / همچون داغ لاله ریزد طشت آتش بر سرش (ویرانگری عشق)

**رشته زبان**

**۱. معنی واژه‌های زیر، به ترتیب، در کدام گزینه درست است؟**

«تازی، اُسوه، نثار، فراز آمدن»

- (۱) عرب، نمونهٔ پیروی، افشاندن، رسیدن
- (۲) عرب، سرمشق، باران، نزدیک آمدن
- (۳) تاختن، شایسته، پیشکش کردن، رسیدن
- (۴) عربی، پیشوا، فرو ریختن، نزدیک آمدن





۲. کدام گزینه، می‌تواند معانی مناسبی برای تعداد بیش‌تری از واژه‌های زیر باشد؟  
 «وبال، وزر، صباحت، فرودسرای، محجوب، خنیده»  
 (۱) سختی و عذاب، خوب‌رویی، پوشیده، مبارک (۲) بار سنگین، اندرونی، مستور، پژواک صدا  
 (۳) بار گناه، بیرونی، سفیدی رنگ انسان، مشهور (۴) گناه، خوش‌نوا، اتاق مخصوص زن و فرزند، پنهان  
 معنی چند واژه «غلط» است؟
۳. (صنعت: پیشه) (شبه: سایه) (انابت: دعا کردن) (روی: چاره) (مستعجل: شتاب‌زده) (طفیلی: وابسته) (نمط: بساط شطرنج) (تعبیر: قابل تأمل)  
 (۱) دو (۳) سه (۳) چهار (۴) پنج
۴. در متن زیر چند «غلط املائی» یافت می‌شود؟  
 «چون دندان قهر و غدر تیز کرد، زبان به کام چرب نرمی باز نهاد و گردن آذرم پیچیده و گره مخاصمت بر ابروی معاندت زد، لب به خندهٔ مسالمت بگشاد بر رأی سلطانی مسطور نبود که عداوت با غذای گردنده وزر و وبال است.»  
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
۵. در کدام بیت «غلط املائی» وجود دارد؟  
 (۱) ای گرفتار سبب بیرون میر / لیک عزل آن مسبب، ظن مبر  
 (۲) در اقلیم ایران چون خیلش بجنید / هزاهز در اقلیم توران نماید  
 (۳) گر ضعیفی در زمین خواهد امان / غلغل افتد در سپاه آسمان  
 (۴) هر که خواهد که در این مملکت انگشت خلاف / بر خطایی بنهد گو برو انگشت بخوای
۶. در متن زیر، چند «غلط املائی» وجود دارد؟  
 «اگر لشکری را در تحت فرمان او کنند و او را ثروتی و استظهاری حاصل شود، باز او را مصروف نتواند کرد و بیش‌تر آن باشد که خود به طغیان و عصیان بیرون آیند و هر گاه که عظیمت و حزیمت دشمنی کنند ماه‌ها و سال‌ها باید تا ترتیب لشکری دهند.»  
 (۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار
۷. کدام آثار «همگی» منظومند؟  
 (۱) هفت پیکر، الهی‌نامه، تحفة الاحرار  
 (۲) لیلی و مجنون، اتاق آبی، مثنوی معنوی  
 (۳) تذکرهٔ الاولیا، پیامبر و دیوانه، مثل درخت در شب باران  
 (۴) در حیاط کوچک پاییز در زندان، تیرانا، دری به خانهٔ خورشید
۸. ترتیب ابیات زیر، با توجه به آرایه‌های «حسن تعلیل، ایهام، اغراق، مجاز و استعاره» کدام است؟  
 الف) بر آنم که ابر گرینده از این پس پیش اشک من / حدیث چشم سیل افشان نراند گر حیا دارد  
 ب) آهن سرد چه کوبیم که دم آتشیم / نکند هیچ اثر در دل چون آهن او  
 ج) در داستان نیاید اسرار عشقبازان / کانجا که قاف عشق است دستان چه کار دارد  
 د) ز کوه بیستون فرهاد از آن بیرون نمی‌آید / که می‌گردد دو بالا ناله در کهسار عاشق را  
 ه) ماه نو چون ز لب بام بدیدم گفتم / ای دل از چنبر این ماه کجا خواهی جست  
 (۱) الف، ج، ب، د، ه (۲) الف، ج، د، ب، ه  
 (۳) د، ب، الف، ه، ج (۴) د، ج، الف، ب، ه



۹. در کدام بیت، تعداد تشبیه با دیگر ابیات تفاوت دارد؟
- (۱) خال تو تا دانه و زلفین تو شد دام / کیست که مرغ دلش از دام برآمد
  - (۲) گل بستان خرد لفظ دلارای من است / بلبل باغ سخن منطق گویای من است
  - (۳) تیر بلای او را جز دل هدف نشاید / تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد
  - (۴) آن بناگوش دل افروز است یا مه یا چراغ / کز شب زلف تو چون شمع شبستان نافته است
۱۰. آرایه‌های ادبی بیت زیر، تماماً در کدام گزینه درست است؟
- «در آن تنگ دهن زان عقد دندان حیرتی دارم / که چون در نقطه موهوم این سی پاره پنهان شد»
- (۱) ایهام، اغراق، استعاره، کنایه
  - (۲) پارادوکس، تشبیه، کنایه، مجاز
  - (۳) اغراق، استعاره، تشبیه، واج‌آرایی
  - (۴) حسن تعلیل، واج‌آرایی، استعاره، مجاز
۱۱. آرایه‌های مقابل همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز:
- (۱) تا سخنی گفته‌ام زان لب شیرین سخن / خسرو ایران نمود گوش به گفتار من (حسن آمیزی، ایهام)
  - (۲) تا در خیال حورم و اندیشه قصور / جز مایه قصور نگرده نماز من (جناس، حسن تعلیل)
  - (۳) دست نقاش فلک بهر تماشای ملک / هر شب آراسته در پرده نگار عجبی (جناس، واج‌آرایی)
  - (۴) هر کجا جلوه بالای تو باشد به میان / راستی سرو کجا قامت موزون دارد (ایهام تناسب، تشبیه)
۱۲. در کدام بیت، «صفت مضاف‌الیه» یافت نمی‌شود؟
- (۱) مرا به دست تو خوش تر هلاک جان گرامی / هزار باره، که رفتن به دیگری به حمایت
  - (۲) مشکن دلم که حقه راز نهان توست / ترسم که راز در کف نامحرم او رفتد
  - (۳) با هر که مشورت کنم از جور آن صنم / گوید ببایدت دل از این کار برگرفت
  - (۴) عاشق صادق دیدار من آن گه باشی / که به دنیا و به عقبی نبود پروایت
۱۳. کدام بیت، فاقد واژه «هم‌آوا» است؟
- (۱) دید طین آدم و دینش ندید / این جهان دید آن جهان بینش ندید
  - (۲) هر دلی که او به عشق مایل نیست / حجره دیو خوان که آن دل نیست
  - (۳) در جهان یک دم نبودم شادمان / زان زمان که اندوه جانانم گرفت
  - (۴) از دست بشد چون دل در طره او زد چنگ / غرقه زند از حیرت در هر چه بیابد دست
۱۴. نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟
- «مکن ما ناقصان را یارب از سنگ محک رسوا / که این نه بوته را کامل عیاری نیست غیر از تو»
- (۱) بدل، مسند، متمم، نهاد
  - (۲) مفعول، مسند، متمم، نهاد
  - (۳) بدل، قید، متمم، مسند
  - (۴) مفعول، مسند، مفعول، مسند
۱۵. اجزای جمله‌های کدام بیت، همانند اجزای جمله‌های بیت زیر است؟
- «حفظ آب روی خواهش کن که گردون خسیس / نان خود را تر به آب روی سایل می‌کند»
- (۱) می‌دهد از حسن عالمگیر مجنون را خیر / این که لیلی هر نفس تغییر محمل می‌کند
  - (۲) خصم غالب را زبون، صبر و تحمل می‌کند / از تواضع سیل را مغلوب خود پل می‌کند
  - (۳) یوسف نداشت نعمت دیدار این قدر / حسن تو چشم آینه را سیر می‌کند
  - (۴) تشنه جانان را کجا سیراب ساغر می‌کند؟ / ریگ در یک آب خوردن بحر را بر می‌کند



۱۶. با توجه به بیت زیر همه گزینه‌ها کاملاً درست است؛ به جز:
- «ستم از غمزه میاموز که در مذهب عشق / هر عمل اجری و هر کرده جزایی دارد»
- ۱) در بیت «یک نهاد و دو فعل» به قرینه محذوف است.
  - ۲) در بیت یک ترکیب اضافی دو ترکیب وصفی یافت می‌شود.
  - ۳) جمله اول از «نهاد + مفعول + متمم - فعل» تشکیل شده است.
  - ۴) بیت از یک جمله غیرساده تشکیل شده است و «که» حرف پیوند است.
۱۷. مفهوم بیت زیر در کدام گزینه آمده است؟
- «خواهی که ز دست دیو مردم برهی / مانند پری ز آدمیان پنهان باش»
- ۱) چه پوشی پرده بر رویی که آن پنهان نمی‌ماند / و گر در پرده می‌داری کسی را جان نمی‌ماند
  - ۲) روی پنهان کن که خار تهمت اینای دهر / می‌درد از هم تو را گر دامن مریم شوی
  - ۳) پیش مردم آشکارا چون مرا دیوانه ساخت / روی خود را آن پری از دیده پنهان کرد و رفت
  - ۴) سر چشمه حیوان به دهان تو تشبه / کرد از نظر مردم از آن روی نمان شد
۱۸. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟
- «گرم به هر سر مویی هزار جان بودی / فدای جان و سرش کردمی به جان و سرش»
- ۱) ای تن اگر بی‌دلی سر ز کمندش مپیچ / وی دل اگر عاشقی روی ز مهرش متاب
  - ۲) ای دل نگفتمت که ز زلفش عنان بتاب / کآهنگ چین خطا بود از بهر مشک ناب
  - ۳) طره مشکین نباشد بر رخ جانان غریب / زان که نبود سنبل سیراب در بستان غریب
  - ۴) رشته جان من سوخته بگسیخته باد / گر ز عشق سر زلفت ندهم جان همه شب
۱۹. مفهوم کدام بیت با بیت زیر، یکسان نیست؟
- «با محتسبم عیب مگوئید که او نیز / پیوسته چو ما در طلب عیش مدام است»
- ۱) ز سنگ محتسب شهر غم مخور ساقی / سپرده‌ایم به پیر مغان سبوی تو را
  - ۲) مجلس می‌شیشه و پیمانۀ بسیار داشت / هیچ‌کس چون محتسب مستانه نشکست و نریخت
  - ۳) می‌خور که شیخ و حافظ و مفتی و محتسب / چون نیک بنگری هم تزویر می‌کنند
  - ۴) صوفی ز کنج صومعه با پای خم نشست / تا دید محتسب که سبو می‌کشد به دوش
۲۰. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟
- «صورت زیبای ظاهر هیچ نیست / ای برادر سیرت زیبا بیار»
- ۱) یک جهان دیوانه را نتوان به مویی بند کرد / زلف جانان بار دل‌ها برتتابد بیش از این
  - ۲) بوی سر زلف تو به شیدایی من نیست / آوازه حسن تو به رسوایی من نیست
  - ۳) میان صورت و معنی بسی تفاوت‌هاست / فرشته‌ها را به تصوّر مگوی اهرمن است
  - ۴) شاهد آن نیست که مویی و میانی دارد / بنده طلعت آن باش که آنی دارد



۲۱. مفهوم کنایی «گندم نمای جو فروش» از کدام بیت، دریافت می‌شود؟
- (۱) گرچه گرد آلود فقرم شرم باد از همتم / گر به آب چشمه خورشید دامن تر کنم
  - (۲) شرمم از خرقة آلوده خود می‌آید / که بر او وصله به صد شعبده پیراسته‌ام
  - (۳) خودنمایی کار ما را در گره انداخته است / قطره چون برداشت دست از خویش دریا می‌شود
  - (۴) در خرقة چو آتش زدی ای عارف سالک / جهدی کن و سر حلقه زندان جهان باش
۲۲. مفهوم همه ابیات یکسان است؛ به جز:
- (۱) کرد تصور تو را صورتگر چین آرزو / بست چندین صورت و صورت نبست این آرزو
  - (۲) صورتگری که حسن ادای تو دیده است / تصویر ناکشیده خجالت کشیده است
  - (۳) نقاش چین چو صورتش آورد در نظر / زد بر زمین قلم که چه‌ها می‌کشیم ما
  - (۴) صورتگران که آن قد موزون کشیده‌اند / در حیرتم که ناز تو را چون کشیده‌اند
۲۳. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟
- «زاهد ظاهرپرست از حال ما آگاه نیست / در حق ما هر چه گوید جای هیچ اکراه نیست»
- (۱) زاهد ایمن مشو از بازی غیرت زنهار / که ره از صومعه تا دیر مغان این همه نیست
  - (۲) گر مدد خواستم از پیر مغان عیب مکن / شیخ ما گفت که در صومعه همّت نبود
  - (۳) بر من آسان است اگر صد پاره سازم دل ز درد / پیش بی‌دردان گریبان پاره کردن مشکل است
  - (۴) زاهد پشیمان را ذوق باده خواهد کشت / عاقلان مکن کاری کآورد پشیمانی
۲۴. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟
- «ضرب گردون دون آزادگان را خسته کرد / کو دل آزاده‌ای کز تیغ او مجروح نیست»
- (۱) جهان به چشم حسودان سیاه می‌سازد / چو لاله با جگر داغدار خندیدن
  - (۲) کوش تا دل به تماشای جهان نگذاری / داغ افسوس بر آینه جان نگذاری
  - (۳) دیری است کاین زمانه بدخوی سفله طبع / با سفلگان چمید و ز آزادگان رمید
  - (۴) مکن آزادگان را جست‌وجو از این و آن پنهان / که باشد از سبک باری پی این کاروان پنهان
۲۵. مفهوم بیت زیر از کدام ابیات، دریافت می‌شود؟
- «گر در طلبت رنجی ما را برسد شاید / چون عشق حرم باشد سهل است بیابان‌ها»
- الف) بی‌جمال عالم آرای تو روزم چون شب است / با کمال عشق تو در عین نقصانم چو شمع  
ب) زهر اندر کام عاشق شهید گردد در زمان / زان شکرهایی که روید هر دم از نی‌های عشق  
ج) جمال کعبه مگر عذر رهروان خواهد / که جان زنده‌دلان سوخت در بیابان‌ش  
د) مرا چون سوختی بگذار بر گرد سرت گرم / که می‌گردد حصار عافیت خاکستر عاشق
- (۱) الف، ب (۲) ب، ج (۳) الف، د (۴) ج، د

### ■ خارج از کشور

۱. مترادف واژه‌های «کوشش، زمین پست، میان دو کتف، طرح اولیه» به ترتیب، کدام است؟
- (۱) اراده، باره، وقب، تقریظ
  - (۲) مناعت، بیغوله، غاشیه، اسلیمی
  - (۳) همّت، خور، غارب، بیرنگ
  - (۴) خواست، معرکه، کله، گرت‌برداری



۲. معنی مقابل چند واژه، نادرست است؟  
 (فروماندن: متحیر شدن) (سرسام: هذیان) (شراع: شریعت و دین) (عارضه: رخسار) (رضوان: بهشت) (عازم: رهسپار) (تشریح: طریقت و عرفان) (لطیفه: گفتار نرم و دلپذیر)
- ۱) دو      ۲) سه      ۳) چهار      ۴) پنج
۳. در همه گزینیه‌ها، معنی واژه‌ها در مقابل آن‌ها درست آمده است؛ به جز:  
 ۱) (اندیشه: اندوه) (کنف: کناره) (کلان: رئیس)  
 ۲) (کربت: اندوه) (اعلا: نفیس) (وجنه: چهره)  
 ۳) (آزرم: حیا) (تنیده: در هم بافته) (دستور: مشاور)  
 ۴) (ضجه: شیون) (متماعد: مجاب شده) (تطاول: ستم و تعدی)
۴. در متن زیر، چند «غلط املائی» یافت می‌شود؟  
 «اگر از میان شما یک کس سرور نباشد که دیگر اخوان و اولاد و اعوان مطابع رأی و مطاوع فرمان او باشند، مثل مار چند سر باشد که شبی سرمای سخت افتاد، خواستند تا در سوراخ خزند، هر سر که در سوراخ می‌کرد، سر دیگر معاندت می‌نمود و از صورت برودت خلاص نیافتند و بدان سبب هلاک گشتند.»
- ۱) یک      ۲) دو      ۳) سه      ۴) چهار
۵. در میان گروه واژه‌های داده شده «چند غلط املائی یا رسم الخطی» به چشم می‌خورد؟  
 «حیثیت و اعتبار اجتماعی، حظار مجلس، حقه و صندوق، محتسب و داروغه، درع و ذره، برخواستن مردگان و بعث، دیلاق و لاغر، رأفت و شفقت، راغ و زاغ، سپردن و طی کردن، زایل شدن و نابودی، رزق و وجه معاش، ذل زدن و نگاه کردن، حماقت و فرومایه‌گی»
- ۱) شش      ۲) هفت      ۳) هشت      ۴) نه
۶. در کدام بیت «غلط املائی» وجود دارد؟  
 ۱) جرعه جام بر این تخت روان افشانم / غلغل چنگ در این گنبد مینا فکنم  
 ۲) همیشه تا بود افلاک مرکز انجم / همیشه تا بود ارواح قوت اشباح  
 ۳) تا ترک سمن عارض بودی نه چنین بود / امروز چنین شد که بت مشک عذاری  
 ۴) اندر آن زندان ز ذوق بی قیاس / بشکفد چون گل ز غرس تن هواس
۷. کدام آثار به ترتیب «منثور، منثور، منظوم، منظوم» است؟  
 ۱) سه دیدار، پرنده‌ای به نام آذرباد، حمله حیدری، تمهیدات  
 ۲) داستان‌های دل‌انگیز فارسی، من زنده‌ام، روزها، لیلی و مجنون  
 ۳) فی حقیقه‌العشق، از پاریز تا پاریس، قصه شیرین فرهاد، اسرارالتوحید  
 ۴) سندیادنامه، فیه ما فیه، دری به خانه خورشید، پیوند زیتون بر شاخه ترنج
۸. کدام دو واژه در بیت زیر، «ایهام» دارند؟  
 «از نواهای مخالف می‌کشند آزار خلق / گو شمالی نیست حاجت ساز سیر آهنگ را»
- ۱) نوا، ساز      ۲) آهنگ، نوا      ۳) نوا، مخالف      ۴) ساز، آهنگ



۹. آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است؟

«می‌کند خنده خونین به ته پوست نهان / پسته از بس خجل از غنچه خندان تو شد»

(۱) تناقض، اغراق، مجاز، استعاره

(۲) کنایه، استعاره، تشخیص، حسن تعلیل

(۳) اغراق، تشخیص، تشبیه، ایهام تناسب

(۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل

۱۰. آرایه «تشبیه» در کدام بیت، بیش‌تر یافت می‌شود؟

(۱) سرسبز گشت باغ رخت از بهار خط / یعنی فزود مهر دلم از نگاه تو

(۲) روی تو در آینه جان عکس بینداخت / تا تخته تن پاک بگشت از همه رنگم

(۳) میوه عیش بسی چیدم از آن نخل مراد / کی دهد باغ محبت ثمری بهتر از این

(۴) حلقة دام نجات است خم طره دوست / وای بر حالت مرغی که در این دام نبود

۱۱. آرایه‌های مقابل همه ابیات تماماً درست است؛ به جز:

(۱) اگر سنجی به میزان وفا کوه غم ما را / تو را در پله انصاف، سنگ کم کجا ماند؟ (اغراق، جناس)

(۲) بهار عمر خواه ای دل، وگرنه این چمن هر سال / چون نسرين صد گل آرد بار و چون بلبل هزار آرد (ایهام

تناسب، استعاره)

(۳) در آن دل از هلاک عشق‌بازان غم کجا ماند؟ / گره در خاطر خورشید از شبنم کجا ماند؟ (واج‌آرایی، استعاره)

(۴) مسلسل چون شود امواج، می‌پاشد ز هم کشتی / به حال خویش دل در زلف خم در خم کجا ماند؟ (اسلوب

معادله، ایهام)

۱۲. در کدام بیت، مضاف‌الیه مضاف‌الیه و صفت مضاف‌الیه، هر دو، وجود دارد؟

(۱) زنگیان دشمن آینه بی‌زنگارند / طمع روی دل از تیره دلان نیست مرا

(۲) گرچه چون سرو تماشاگاه اهل نظرم / از جهان جز گره دل ثمری نیست مرا

(۳) عرق غیرت پیشانی خورشیدم من / نفس صبح قیامت نکند سرد مرا

(۴) قسمت یوسف بی‌جرم نشد از اخوان / گوشمالی که در این دور هنر داد مرا

۱۳. نقش واژه‌های مشخص شده در بیت زیر، به ترتیب کدام است؟

«آرام نیست آبله پایان شوق را / مانع نگردد از حرکت، آب را حباب»

(۱) نهاد، متمم، مضاف‌الیه، نهاد

(۲) مسند، نهاد، مضاف‌الیه، نهاد

(۳) نهاد، مفعول، مفعول، متمم

(۴) مسند، مفعول، مفعول، مضاف‌الیه

۱۴. در متن زیر، چند «صفت پیشین و چند ترکیب وصفی» وجود دارد؟

«یک قرن بیش‌تر است که اختلافات و جنگ‌های داخلی مثل کاردی بر پهلو این کشور نشست است، اما در این

فاصله اروپا قدم‌های بزرگی برای پیشرفت برداشته است. آن‌ها کارگاه‌های متعدد صنعتی ساختند.»

(۱) دو - شش (۲) دو - هشت (۳) سه - هفت (۴) سه - هشت



۱۵. در کدام بیت، یک جمله «نهاد + مفعول + فعل» و یک جمله «نهاد + مسند + فعل» یافت می‌شود و فاقد مناد است؟

- ۱) تا مگر صائب شکست خویش را سازی درست / در پی خورشید تابان روز و شب چون ماه باش
  - ۲) همیشه فکرت صائب شکار دل می‌کرد / کمند ناله او نیست دل شکار امروز
  - ۳) غیر صائب که دمی می‌زند از سوز جگر / اثر از گرمی گفتار نمانده است امروز
  - ۴) مرد نیرنگ خزان و نوبهاران نیستی / در بساط خاک صائب غنچه تصویر باش
- با توجه به رباعی زیر، کدام گزینه غلط است؟

«در دام غمت دلم زبون افتاده است / در یاب که خسته بی سکون افتاده است

شاید که بپرسی و دلم شاد کنی / چون می‌دانی که بی تو چون افتاده است»

- ۱) جمله پایانی، مفعول جمله پیشین است.
- ۲) در رباعی فوق «سه ترکیب اضافی» وجود دارد.
- ۳) زبون و بی سکون، هر دو صفت‌اند و نقش «قیدی» دارند.
- ۴) جمله «دلم شاد کنی» از «نهاد - مفعول + مسند + فعل» تشکیل شده است.

۱۷. مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات، متفاوت است؟

- ۱) خلاص بخش خدایا همه اسیران را / مگر کسی که اسیر کمند زیبایی است
- ۲) دیگری را در کمند آور که ما خود بنده ایم / ریسمان در پای حاجت نیست، دست‌آموز را
- ۳) گفتیم ز قیدش یابم رهایی / لیکن چون آهو سر در کمندم
- ۴) اگر چه سنبل زلفت به خون من تشنه است / رهایی دل از آن عنبرین کمند مباد

۱۸. مفهوم کدام بیت، در مقابل آن «غلط» آمده است؟

- ۱) به مستوران مگو اسرار مستی / حدیث جان مگو با نقش دیوار (پرهیز از سخن گفتن)
- ۲) سکندر را نمی‌بخشند آبی / به زور و زر میسر نیست این کار (اثر بخشی عنایت معشوق)
- ۳) سیر خدا که عارف سالک به کس نگفت / در حیرتم که باده فروش از کجا شنید (الهام شدن راز معرفت)
- ۴) ز شوق روی تو شاها بدین اسیر فراق / همان رسید کز آتش به برگ کاه رسید (فنای عاشق)

۱۹. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

«رزق هر چند بی گمان برسد / شرط عقل است جستن از درها»

- ۱) چشم بستن ز تماشای دو عالم سهل است / سعی کن سعی که دل را نگران نگذاری
- ۲) از توکل در حنا مگذار دست سعی را / قفل روزی گر کلیدی دارد ابرام است و بس
- ۳) در این درگاه سعی هیچ کس ضایع نمی‌ماند / به قدر آنچه فرمان می‌بری فرمانروا گردی
- ۴) به اقتضای قضا کار خویش را بگذار / که سعی بیهده پاپوش می‌درد مثل است

۲۰. مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می‌شود؟

«بسوز ای دل که تا خامی، نیاید بوی دل از تو / کجا دیدی که بی آتش، کسی را بوی عود آید»

- ۱) از نگاه گرم روی یار را افروختیم / ما ز خامی عاقبت در آتش خود سوختیم
- ۲) طمع خام نشد از آتش حرمان پخته / گر به دوزخ برویم آرزوی حور کنیم
- ۳) آتش نفسان قیمت میخانه شناسند / افسرده دلان را به خرابات چه کار است
- ۴) گر برآرد عشق دود از خرمن ما گو برآر / چون خلیل از شعله باغ دلگشا دارد سپند



۲۱. بیت زیر با کدام بیت، قرابت مفهومی دارد؟

- «بیرون ز تو نیست هر چه در عالم هست / در خود بطلب هر آن چه خواهی، که تویی»
- (۱) ما عبث در سینه دریا نفس را سوختیم / گوهر مقصود در دامان ساحل بوده است
  - (۲) چرا صدف نکند چاک سینه را صائب / در این زمانه که گوهرشناس نایاب است
  - (۳) بی کسی هاست اگر هست کسی در عالم / هست بی جایی گر زیر فلک جای خوشی است
  - (۴) جز خویش را کسی به نظر در نیاورند / خود بین کسی که نیست در این عهد، چشم ماست

۲۲. مفهوم بیت زیر از کدام بیت، دریافت می شود؟

- «چه در کار و چه در کار آزمودن / نباید جز به خود محتاج بودن»
- (۱) نیاز گر بدرد پیکر مرا از هم / نبینی از پی کاری نیاز پیکارم
  - (۲) بی زر نتوان رفت به زور از دریا / ور زر داری به زور محتاج نه ای
  - (۳) کرده ام غنچه صفت باغ خود از خانه خویش / نیستم با دل صد پاره به گلشن محتاج
  - (۴) بی نیازی سرکشی می آورد، زان لطف حق / بندگان را مبتلا سازد به درد احتیاج

۲۳. کدام بیت، با بیت زیر قرابت مفهومی دارد؟

- «هر آن که گردش گیتی به کین او برخاست / به غیر مصلحتش رهبری کند ایام»
- (۱) در این جهان دل بی غم نمی شود پیدا / اگر برون دهم از دل غم نهانی خویش
  - (۲) روزگارم تیره و بختم سیاه افتاده است / گُل به چشم روزم از مهر و ماه افتاده است
  - (۳) ز کمان قدر آن تیر که بگریزد / کُشدت گر چه سرا پای شوی رویین
  - (۴) بی می روشن اگر تیره شد آئینه عیش / بس عجب نیست که گیتی همه افسون و دم است

۲۴. کدام بیت با بیت زیر، ارتباط مفهومی دارد؟

- «مگو سوخت جان من از فرط عشق / خموشی است هان، اولین شرط عشق»
- (۱) هر گروهی بگریزند به عالم دینی / عاشقی دین من و بی خبری کیش من است
  - (۲) بر بی خبری زن که چراغ حرم غیب / افروخته از شمع دل بی خبران است
  - (۳) وقتی که شدم با خبر از از سیر دهانش / از هستی خود هیچ خبردار نبودم
  - (۴) تا خبر دارم از او بی خبر از خویشتنم / با وجودش ز من آواز نیاید که منم

۲۵. کدام بیت با بیت زیر، قرابت مفهومی دارد؟

- «چنان به جاذبه، شوق خلیفه می بردم / که تر نمی شوم پای از شط بغداد»
- (۱) بساط سبزه لگدکوب شد به پای نشاط / ز بس که عارف و عامی به رقص برجستند
  - (۲) جمال کعبه چنان می کشاندم به نشاط / که خارهای مغیلان حریر می آید
  - (۳) در این زمانه چنان پست شد ترانه عشق / که در بهار نخیزد ز بلبان فریاد
  - (۴) کم نشاطی نیست آزادی از این وحشت سرا / زیر شمشیر شهادت رقص بسمل کرده ایم





## پاسخ‌نامه سؤالات کنکور سراسری سال ۱۳۹۹

### رشته ریاضی

۱. **بدسگال:** بداندیش، بدخواه (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دهم)  
 عنود: ستیزه کار، دشمن و بدخواه (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دهم)  
 تیمار: غم، حمایت و نگاهداشت (واژه‌نامه درس دوم فارسی دهم)  
 دلاک: کیسه‌کش حمام، مشت و مال‌دهنده (واژه‌نامه درس سوم فارسی دهم)  
 دوده: دودمان، خاندان، طایفه (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)  
 خیره: متحیر، سرگشته (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)  
 برمدیدن: خروشیدن، برخاستن (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)  
 در گزینۀ اول، معنای سه واژه بدسگال، تیمار، خیره / در گزینۀ دوم، معنای چهار واژه عنود، تیمار، دوده، برمدیدن / در گزینۀ سوم، معنای دو واژه تیمار و دوده / در گزینۀ چهارم، معنای سه واژه بدسگال، دلاک و خیره صحیح آمده است.
۲. **گزینۀ ۱:** بَر- خشکی، بیابان (نه خشک) (واژه‌نامه درس هجدهم فارسی یازدهم)، ویله: صدا، آواز، ناله (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)
- گزینۀ ۲:** ایدون: این چنین (واژه‌نامه درس ششم فارسی دوازدهم)، اشباه: جمع شبهه؛ ماندها (واژه‌نامه درس چهاردهم فارسی دهم)، وظیفه: مقرری، وجه معاش (واژه‌نامه درس یکم فارسی دوازدهم)  
**گزینۀ ۳:** پایمردی: خواهشگری، میانجی‌گری، شفاعت (واژه‌نامه درس دوازدهم فارسی یازدهم) ادبار: بدبختی، سیه‌روزی؛ متضاد اقبال (واژه‌نامه ستایش فارسی یازدهم)  
**گزینۀ ۴:** پدارام: آراسته، نیکو، شاد (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)
۳. **ب:** متقاعد: مجاب شده، مجاب، قانع شده (واژه‌نامه درس یازدهم فارسی یازدهم)، تقصیر: گناه، کوتاهی، کوتاهی کردن (واژه‌نامه درس یکم فارسی دوازدهم)  
 ج: حریف: دوست، همدم، همراه (واژه‌نامه درس ششم فارسی دوازدهم)، درهم: درم، مسکوک نقره (واژه‌نامه درس دوم فارسی دوازدهم)
۴. **قالب:** شکل، جسم، ظرف  
 $\Leftarrow$  نه‌آزی غالب است = حرص و طمعی بر من چیره نیست.  
 غالب: چیره، مسلط  
 متاع: کالا، مال  
 $\Leftarrow$  با توجه به همراهی واژه‌های محترم و مکرم، مطاع درست است.  
 مُطاع: اطاعت شده، فرمان بده شده
۵. **قریب:** نزدیکی  
 $\Leftarrow$  از وطن به غربت افتاده، صحیح است.  
 غربت: دوری از وطن



ذلت: خواری، پستی

← هرگز روی ذلت نبیند = هرگز خوار نشود.

زلت: خطا، لغزش، گناه

۶. قضا: تقدیر و حکم الهی، قضاوت و حکم کردن

← با توجه به واژه تیغ (شمشیر)، غزا صحیح است.

غزا: جنگ

۷. بیت «الف» از قلمرو فکری درس یازدهم فارسی دهم و بیت «ب» از گنج حکمت درس دوازدهم فارسی

یازدهم است!!!!

این رویکرد طراحان محترم، اصلاح خواهد شد. نگران نباشید.

۸. گزینه ۱: ۱- طبع شاعر به طوطی مانند شده ۲- طوطی طبع شاعر به بلبل مانند شده.

گزینه ۲: ۱- قناعت به خاک مانند شده ۲- تمنا به آب شور مانند شده.

گزینه ۳: ۱- خاک به سنگ سرمه مانند شده («سا» در «سرمه سا» بن مضارع مصدر «ساییدن» است نه پسوند همانندی.)

گزینه ۴: ۱- مخاطب به موج مانند شده ۲- عقد گوهر به خوشه مانند شده ۳- دریا به خرمن مانند شده است.

۹. جناس میان «خیل و خیال» انتخاب گزینه سوم را ساده تر می کند. این «گوشه» استعاره از چشم است. «سرای دیده» (خانه چشم) اضافه تشبیهی است.

۱۰. گزینه ۱: بازی زیبایی با زبان شده است؛ شاعر می گوید: با این که این همه ناز و کرشمه از سر و پایت می ریزد اما چرا روزبه روز ناز و کرشمهات بیشتر می شود؟! ← هر چه هست، حسن تعلیل نیست! (اغراق در نازنین بودن یار)

گزینه ۲: ایهام «آب» را در این بیت در برنامه های تلوزیونی «کاد» هم گوشزد کرده بودم! // «کسی را از در خویش راندن» کنایه ساده ای است از بی توجهی و بی مهری به کسی.

گزینه ۳: «نرگس شهلا» استعاره آشنایی از چشمان درشت و زیبای یار است و این که چشم آهو از خجالت در حصار غبار پنهان شده است، تشبیه برتر است و دریافتن آن کار شما عزیزان است و بس! (حصاری: زندانی).

گزینه ۴: منظور از «پرده چشم» لایه های چشم است (قرنیه، عنبیه، مشیمیه، شبکیه و ...) که گریه های عاشقانه آن را چون پیراهن یوسف از هم خواهد درید اما آمدن «پرده در کنار پیراهن» معنای رایج پرده را نیز در ذهن تداعی می کند ← ایهام تناسب. (هم چنین یکی از معانی از یادرفته «سودا» سیاه است که با شب تناسب دارد.) تلمیح بیت آشکار است.

۱۱. (به اشتباه در پاسخ نامه اولیه گزینه «۴» علامت خورده است.)

«سبب زرخدان» اضافه تشبیهی است. «خارزار» استعاره از این دنیا است. بار شکر در آستین داشتن کنایه از شیرینی است و نسبت دادن شیرینی به ناله نی حس آمیزی است.

«تاب» به معنی «تحمل» آمده است اما در کنار «نگاه»، «گرم» و «سایه» معنی تابش و درخشش نیز از آن به ذهن خطور می کند و ایهام تناسب دارد.



۱۲. الف: در این جا فعلی «باشد» گذرا به مسند نیست زیرا معنای «وجود ندارد» می دهد ← ناگذر است.  
 ب: فعل «نباشد» گذرا به مسند است.  
 ج: فعل «است» گذرا به مسند است.  
 د: فعل «به در نرود» ناگذر است؛ یعنی به مفعول، مسند و متمم نیازی ندارد و فقط با نهاد، کامل می شود.  
 ه: فعل «برگذشت» را مانند «رفت» و «آمد» ناگذر به شمار آورید.
۱۳. رابطه واژه ها در گزینه دوم، آشکارا مترادف و هم معنایی است. در سه گزینه دیگر رابطه واژه ها کاملاً یا تقریباً تضمّن است.
۱۴. گزینه ۱: ۱- دوست گش ۲- بیگانه پرور ۳- دیر جوش ۴- زودرنج ۵- سست پیمان ۶- سخت دل ۷- مشکل پسند ۸- آسان گسل  
 گزینه ۲: ۱- آتش بار ۲- یأس آور ۳- امیدسوز ۴- دردافکن ۵- درمان گسل  
 گزینه ۳: ۱- مردم فریب ۲- تقواکش ۳- ایمان گسل  
 گزینه ۴: ۱- گوهربیز ۲- مرجان فروش ۳- خون ریز ۴- شریان گسل  
 پرسش: از میان ۲۰ صفت مرکب بالا، کدامها صفت فاعلی هستند<sup>۱</sup>؟
۱۵. درست خواندن بیتها، شرط پاسخ گویی به این پرسش دستوری است:
- الف) غنیمت دان در این عالم، وصال سبز خطان را / که باغ خُلد، این ریحان جان پرور نمی دارد  
 «سبز خطان» یک واژه است که به عنوان مضاف الیه «وصال» آمده است.
- ب) مگر دیده است «چشم خوش نگاه آن سمن بر» را / زمین خانه بردوشان عمارت بر نمی دارد  
 «خوش نگاه» یک واژه است که در نقش صفت برای «چشم» آمده، «سمن بر» مضاف الیه «چشم» است و «آن» صفت مضاف الیه
- ج) نییچد سر ز زخمِ گاز، شمع ما سیه روزان / گل این باغ»، شبنم از لطافت بر نمی دارد  
 «این» صفت مضاف الیه است.
- د) دل خود را به صد امید کردم چاک، از این غافل / که بارِ شانه، آن زلف مُعْتَبِر (عنبر بو) بر نمی دارد  
 اگر متوجه درنگ میان «شانه» و «آن زلف» نشویم به اشتباه «آن» را صفت مضاف الیه می پنداریم.
- ه) عرق، «رخسار آن خورشید طلعت» بر نمی دارد / که چشم از پشت پا، نرگس ز خجلت بر نمی دارد  
 «رخسار» هسته است و «خورشید طلعت» مضاف الیه. «آن» صفت مضاف الیه است.
۱۶. «کسی را چیزی بودن» الگوی مهمی است که طراح محترم کنکور بسیار به آن توجه دارد. اصطلاحاتی نظیر «را»ی تبدیل فعل یا «را»ی مالکیت، کاملاً غیرعلمی است و باعث رسیدن به پاسخ اشتباه در تست های آزمون سراسری می شود. (پرهیزید از فُتک آموزها و هرز آموزها.)
- با لب لعلت، شراب را مستی نیست = با (با وجود) لعل لب تو، برای شراب مستی وجود ندارد.  
 متمم نهاد

۱. دوست کش، بیگانه پرور، دیرجوش، زودرنج، مشکل پسند، آسان گسل، آتش بار، یأس آور، امیدسوز، دردافکن، درمان گسل، مردم فریب، تقواکش، ایمان گسل، گوهر بیز (غریبالکننده گوهر، گوهر افشان)، مرجان فروش، خون ریز، شریان گسل، همگی صفت فاعلی هستند که «ند» از پایان آن ها حذف شده است.



با قد تو سرو را به جز پستی نیست: با (با وجود) قد تو، برای سرو [چیزی] به جز پستی وجود ندارد.  
 متمم نهاد متمم  
 (حذف شده)

ما را دهن تو نیست می‌پندارد: دهن تو ما را نیست (نابود) می‌پندارد.  
 نهاد مفعول مسند

با آن که به یک ذره در او هستی نیست (استدلالش با فورثان)  
 حرف ربط قید متمم نهاد

۱۷. بیت گزینه سوم به پایداری یاد و سخن عاشقان اشاره دارد.

معنای بیت گزینه ۱: تا زیبارویی و جوانی داشتی در پی گناه کردن بودی، دست کم حالا که پیر شدی و زیبایی و جذابیتت را از دست داده‌ای، کمی کار خیر و ثواب انجام بده.

۱۸. مفهوم بیت گزینه دوم: باید دنیا را خود از نزدیک لمس کرد و تجربه نمود؛ هم‌سو با این سخن آندره ژید است که «برای من خواندن این که شن ساحل‌ها نرم است، بس نیست، می‌خواهم پاهای برهنه‌ام آن را حس کنند. مفهوم مشترک سه بیت دیگر: دل خوش کردن به نگاه دورادور

۱۹. مفهوم بیت‌های ۱، ۲ و ۴ توصیف بهار است، در حالی که در بیت سوم، بهار استعاره از صورت یار است و سنبل استعاره از موهای پیچ‌درپیچ او.

۲۰. در بیت دوم شاعر بر «باورپذیری» سخن تأکید دارد، برخلاف بیت‌های دیگر که سفارشی هستند بر سنجیده (سخته) سخن گفتن

۲۱. بیت صورت سؤال فنا را مایه وصل می‌داند. بیت‌های دوم و چهارم نیز از مقام وفا سخن می‌گویند اما در بیت دوم دقیقاً مانند بیت صورت سؤال، رسیدن به یار در گروه فانی شدن است.

در بیت نخست، «گر خواهیم دیدن» را باید چگونه خواند؟  
 بله «خواهیم دیدن» یعنی «اگر می‌خواهی مرا ببینی». (می‌گوید اگر قصد دیدن مرا داری دارای زودتر به دیدنم بیا زیرا از دوری تو چیزی به مردنم نمانده است.)

۲۲. مفهوم بیت چهارم: فقط عاشق راز عاشق را می‌فهمد و بس. مفهوم مشترک سه بیت دیگر: عشق پنهان کردنی نیست.

(پردگی نشود: پنهان نمی‌شود.)

۲۳. شاعر در بیت سوم می‌گوید که راز و نیاز صبحگاهی، کلید گشایش هر قفل بسته‌ای است اما در سه بیت دیگر یاد کردن از پادشاه در دعای سحرگاهی را سفارش می‌کند.

۲۴. معنای بیت نخست: وجود او چنان آشکار است که نیازی به شرح و بیان ندارد.

مفهوم مشترک سه بیت دیگر: زیبایی یار آنچنان عاشقان را خیره می‌کند که دیگر توان توصیف و تصویر او را ندارند (از خود بی خود شدن عاشقان و عارفان)

۲۵. در بیت سوم، شاعر عینکی را که پیران به چشم می‌گذارند، به دو کفه ترازو مانند کرده است، ترازویی که در برابر چشمان است و خبر از حسابرسی روز قیامت می‌دهد (سفیدی موها در روزگار پیری به صبح مانند شده است.)



در بیت چهارم شاعر فرد خود حساب (پیش خود حساب را) که قبل از وزن کردن کالایش، خودش آن را وزن کرده و کم و کسرش را اصلاح کرده است، رها از شرمندگی روز حساب می‌بیند ← چون در بیت ۳، پیش خود حسابی ویژه زمان پیری دانسته نشده است، بیت چهارم کمی بر آن، اولویت دارد، اما تست، خیلی استاندارد ارزیابی نمی‌شود.

### ■ رشته تجربی

۱. شبهه: مثل، مانند (واژه‌نامه درس چهاردهم فارسی دهم)
 

بعینه: عیناً، مانند (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دهم - توجه: این واژه در کنکور ۱۴۰۰ از کتاب حذف شده است)

بسند: سزاوار، شایسته، کافی، کامل (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)

ویله: صدا، آواز، ناله (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)

فراز آمدن: رسیدن، نزدیک آمدن (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)

گبر: نوعی جامه جنگی، خفتان (واژه‌نامه درس دوازدهم فارسی دهم)

در گزینه نخست، سه واژه شبهه، بسند و گبر / در گزینه دوم، سه واژه شبهه، بسند و ویله / در گزینه سوم، دو واژه بعینه و گبر / در گزینه چهارم، چهار واژه شبهه، بسند، فراز آمدن و خفتان صحیح است.
  ۲. استحقاق: سزاواری، شایستگی (نه شایسته) (واژه‌نامه درس هفتم فارسی یازدهم) / نوند: اسب تندرو (واژه‌نامه درس دوازدهم فارسی یازدهم) /
 

برافراختن: برافراشتن، بلند کردن (واژه‌نامه درس چهاردهم فارسی یازدهم) / بر اثر: به دنبال (اثر: رد پا) (واژه‌نامه درس پانزدهم فارسی یازدهم)
  ۳. جسیم: خوش اندام (واژه‌نامه درس یکم فارسی دوازدهم)
  ۴. غیاث: فریادرس (یا غیاث المستغیثین)
- ← قیاس مولانا = مقایسه مولانا
- قیاس: اندازه‌گیری، مقایسه
- غربت: دوری از وطن، تنهایی
- ← قربت حق = نزدیکی به خدا
- قربت: نزدیکی
- زوالجلال: (نداریم!!)
- ذوالجلال: صاحب بزرگی و عظمت
۵. رقبت: (نداریم!)
- ← صدق رغبت = خلوص اراده (نیت)
- رغبت: میل، اراده، آرزو



۶. **۱۱۱** املای صحیح گروه واژه‌های غلط: التهاب و برافروختگی، انابت (بازگشت) و توبه، انبان دبّاعی (پیراستن پوست حیوانات) شده، باره (دیوار) و حصار، بزم و ضیافت (میهمانی)، بردمیدن و برخاستن (شوریدن، پا شدن)
۷. **۱۱۲** بیت «الف» از قلمرو فکری و بیت «ب» از قلمرو زبانی درس ششم فارسی یازدهم انتخاب شده است.

نگران این سوالات نباشید. بعید است طراح محترم دوباره به تاریخ ادبیات این چنین نگاه کند.

۸. **۱۱۳** طراح محترم به ایهام تناسب واژه «شیرین» در کنار «شکر» توجه نداشته‌اند که پس از نقد من بر این سؤالات، برای جبران در تست ۱۰ آزمون علوم ریاضی سال ۱۴۰۰ این دو واژه ایهام برانگیز در کنار هم مطرح و ایهامشان موضوع سؤال قرار گرفت. بنابراین هر سه گزینه «۱»، «۲» و «۴» درست و تنها گزینه «۳» نادرست است.

گذشتگان بر این باور بودند که:

- ۱- سیاره سهیل باعث به بار نشستن و رسیدن میوه‌ها و محصولات کشاورزی می‌شود (در این جا سیب زرخندان یار گل می‌اندازد و می‌توان آن را بوسید یا گزید!) این سیاره در یمن بهتر به چشم می‌آید به همین دلیل به آن سهیل یمانی نیز می‌گویند و چون در ایران کم‌تر دیده می‌شود به کسی که مدت‌هاست او را ندیده ایم می‌گوییم ...
- ۲- مومیایی گرد یا پمادی بوده است که بر استخوان شکسته می‌نهادند تا جوش بخورد. (خورشید که بزرگ ماه است و او را در هم می‌شکند و خرد می‌کند خودش نیز او را مرهم می‌نهد و به ماه کامل تبدیل می‌نماید).
- ۳- تابیدن ماه بر پارچه‌های کتانی موجب فرسودگی و پارگی آن‌ها می‌شود! (این یکی ربطی به این پرسش نداشت اما شاید بعدها به کارتان بیاید.)

۹. **۱۱۴** (دیگر جایی برای زشت و زیبا کردن آرایه‌های ارجمند ادبیات پارسی نیست. هر چهار آرایه نیازمند سواد ادبی است که ره‌توشه خوانندگان این کتاب و شما عزیزان در سر جلسه کنکور است. زمان بازی با سرنوشت داوطلبان کنکور با تکنیک‌های دروغین و ساختگی به سر آمده است. یافتن راهی جز دریافتن نداشته و ندارد!)
- «باز» ایهام تناسب زیبا و آشنایی دارد. ایهام «نگران» برای شما آشکار است.
- تشبیه درون واژه «کمان ابرو» دیده می‌شود. «شاهین» استعاره از دلدار است و کبوتر استعاره از دل عاشق که به سادگی شکار باز و شاهین می‌شود.

۱۰. **۱۱۵** یادتان که هست؟ «شکر خنده» هم تشبیه است هم حس آمیزی. «روز تیره» متناقض نما و کنایه است. خندیدن صبح، تشخیص و استعاره مکنیه است.

۱۱. **۱۱۶** گزینه ۱: اسلوب معادله داریم اما ایهام نه (با «مرجان» در آرایه استعاره آشنا شدید!)

- گزینه ۲: «پهلوی زدن» کنایه از برابری کردن است (اصلاً «برابر» یعنی بر به بر، پهلوی به پهلوی!) // «سواد» در معنی «رونوشت از اصل» آمده است، اما معنی دیگر آن (سیاه) به دلیل حضور «زلف» در بیت به ذهن خطور می‌کند ← ایهام تناسب



(راستی در مصراع نخست ایهام و تلمیح داریم. اگر توضیحی برای این دو آرایه در این مصراع دارید به کانال تلگرامی «خانه دانش و ادب دکتر هامون سبطی» به نشانی @drsebti بفرستید و جایزه بگیرید!)

**گزینه ۳:** عزیز ایهام دارد: ۱- عزیز مصر (یکی از منصب‌های حکومتی در مصر باستان) ۲- عزیز و گرامی // «کاروان» استعاره از شعر و سخن شاعر است<sup>۱</sup> و «یوسف» استعاره از سخنان و بیت‌های شگفتی‌آفرین و زیبا

**گزینه ۴:** «تخم طمع» اضافه تشبیهی است و «قدح» مجاز است از می و باده.

**معنای بیت:** طمعکاری کار آدمی را به گدایی می‌کشاند و گدایی مایه شرمساری و زرد رویی است اما گدایی می‌که باعث سرمستی و نشاط می‌شود و چهره مستان سرخ و پر خون است نه زرد و رنگ باخته. سرخی چهره مستان تا به آن جاست که مشمول زکات می‌شود و گل و گل‌زار سرخی خود را از سرخی روی مستان به زکات گرفته‌اند!

۱۲. پی مهر تو را گیرد، پی خویش را نگیرد.

[تورا] دوست دارد آن که [تو] دوستش داری

(این پرسش نیز قابل نقد است اما پاسخش آشکار است.)

۱۳. **گزینه ۱:** قوت (روزی) جان حافظ، در خنده زیر لبش است: «حافظ» و «ش» مضافیه مضاف‌الیه هستند.

**گزینه ۲:** «او» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است. ۲- «بلند» صفت مضاف‌الیه است. ۳ و ۴- «مرکب» و «ش» مضاف‌الیه مضاف‌الیه هستند (تاج خورشید بلند، خاک نعل مرکبش است.)

**گزینه ۳:** ۱- «دلگشا» صفت مضاف‌الیه است. ۲- «تو» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است. ۳- «من» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است (گشاد کار من: گشایش کار من)

**گزینه ۴:** ۱- «زلف» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است. ۲- «خم اندر خم» صفت مضاف‌الیه است. ۳- «جانان» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است.

۱۴. «دپ» یا «دپو» (لوح‌های گلی سومریان) و «دپستان» زمان کورش بزرگ و «دپر ← دبر ← دبیر» که معنای نویسنده می‌داد (نه آموزگار متوسطه دوم) داستانی زیبا بود که من سال‌ها در کلاس‌های حضوری و مجازی‌ام برای فرزندان ایران تعریف می‌کردم و خواهم کرد.

۱۵. **آری، من کسی را غیر تو یار نمی‌گیرم / همت آن است که الا (به جز) تو، یاری نگیرد.**

قید تصدیق مفعول متمم مسند / متمم مفعول

۱۶. روشن است که «گل» در هر سه مصراع نقش «نهاد» دارد و چون در پایان مصراع‌های ۱، ۲ و ۴ آمده پس این سه مصراع به شیوه بلاغی سروده شده است. // «باغ جمال» اضافه تشبیهی است. // ترکیب‌های وصفی عبارتند: ۱- این راه ۲- راه پر از خار ۳- این همه خارها ۴- این زودی

۱۷. در سه بیت دیگر، شاعر شور و عشق خود را برتر از هر پدیده و اتفاقی در این جهان (و حتی آن جهان) توصیف می‌کند، اما در بیت چهارم، از بخشندگی و این که پریشان کردن آنچه اندوخته است مایه ادامه حیاتش است، سخن می‌گوید. («م» در «خرمن ماهم» فعل مخفف است.)

۱. این استعاره، یادآوری این بیت زیبا از «فرخی سیستانی» شاعر توانای قرن ۵ (ه. ق) ایران است:

با کاروان حله برفتم ز سیستان / با حله‌ای تنیده ز دل بافته ز جان



۱۸. با توجه به درس «قاضی بُست» این عبارت مربوط است به نپذیرفتن هدیه مسعود غزنوی به دلیل شک داشتن در حلال بودن آن؛ بنابراین هیچ یک از گزینه‌ها با مفهوم مورد نظر هم‌راستا نیست، فقط گزینه سوم که از بی‌ارزشی متاع دنیا در چشم آزادگان و بزرگ‌مردان سخن می‌گوید به آن اندکی نزدیک است، گرچه گزینه ۲ هم می‌تواند یادآور عذاب آخرت باشد و بی‌ربط نیست.

۱۹. مفهوم بیت دوم (نصیحت‌ناپذیری عاشق) و همچنین خود این بیت، برای شما کاملاً آشنا است. (در بیت نخست، «م» در «لشکریم» باید در پایان «دل» بیاید: یک سپاهی دلبری کرد و دل مرا به یغما برد، مگر مهربانی شاه و فرمانده سپاه همراهم شود و او را به من برساند!)

۲۰. «پیش خود حساب بودن» و «پیش از فرارسیدن روز جزا، اعمال خود را داوری کردن» مضمون مشترک بیت نخست و عبارت صورت سؤال است. البته در صورت نبود این گزینه، گزینه ۴ هم مربوط است. معنای بیت نخست: هر کسی که در این دنیا عیار و خلوص داشته‌های خود را بسنجد، دلیرانه می‌تواند آن را در محکمه الهی ارائه دهد.

۲۱. بیت صورت سؤال از مسیری دایره‌وار سخن می‌گوید که خواهی نخواهی، رونده این راه به ابتدای مسیر باز خواهد گشت؛ در بیت چهارم هم رجوع به اصل مطرح است.

بیت گزینه ۱: انسان نباید از اصل و ریشه خود بی‌خبر شود، شیشه لبریز از شراب، همیشه نگاهی به اصلش که سنگ باشد، دارد و از آن غافل نیست. (شیشه از سنگ کربنات کلسیم به دست می‌آید).  
بیت گزینه ۲: فرع‌ها همیشه وابسته اصل خود هستند و جلوه‌ای از اصل هستند.  
بیت گزینه ۳: در این جا اصل است که جویای فرع است.

۲۲. بیت گزینه ۲ از سختی دوری از یار سخن می‌گوید، مضمون مشترک چهار بیت دیگر «دل‌کندن از مادیات و زندگی دنیایی» است.

۲۳. انتظار این است که از سرچشمه، آبی زلال جاری باشد و گل‌آلود شدن آب در ادامه مسیرش رخ دهد؛ اما در این بیت، آب از همان سرچشمه گل‌آلود است، همچنان که در بیت صورت سؤال، دشمن گله نه‌گرگ‌ها که خود صاحب گله است.

۲۴. «زودگذر بودن امور دنیا» مفهوم رایج بیت صورت سؤال است.

بیت گزینه ۱: نهال گل تا خواست قدی راست کند و زیبایی خود را به رخ بکشد، تابوت غنچه و گل خود شد (به خار تبدیل شد) زیرا پاییز از راه رسید (نخل ماتم: تابوت آراسته که در سوگ امام حسین بر دوش می‌کشند)  
بیت گزینه ۲: «برگ گل لعل» در جشن بهار، شاهدهی زیبارو بود تا یار زیباروی من پا در میانه نهاد و آبروی گل و گلستان را برد (یار من از گل و گلستان زیباتر است).

بیت گزینه ۳: گرده‌های گل به مشت ز (خرده طلا) مانند شده که دارایی گل است و حاصل سخت گرفتن گل بر خود در دوره جوانی (غنچگی) است! (در جوانی به فکر پیری بودن)

بیت گزینه ۴: بلبل می‌نالد و گل بر دردش می‌خندد، عجیب نیست که بلبل دیوانه و سودایی می‌شود و شب‌ها نیز خواب و آرام ندارد.





۲۵. «تنگ کردن میدان» کنایه است. شاعر می‌گوید دیوانگان با همه کس و همه چیز سخن می‌گویند اما عقل، عاقلان را وامی‌دارد که به جا و سنجیده سخن بگویند و هرزه‌درایی نکنند. «لب به جا واکردن» نیز در بیت گزینه دوم کنایه از سنجیده سخن گفتن است.  
(صدف به موقع دهان باز می‌کند و قطره‌ای از باران بهاری را در دل می‌گیرد و این قطره به مرواریدی درخشان و شاهانه بدل می‌شود.)

### رشته انسانی

۱. عرش: تخت پادشاه، سریر، خیمه، سایبان (واژه‌نامه درس نهم فارسی دهم - توجه: این واژه از کنکور ۱۴۰۰ از کتاب حذف شده است)

رعب: ترس، دلهره، هراس (واژه‌نامه درس دهم فارسی دهم)  
ملاک: اصل هر چیز، معیار، ابزار سنجش (واژه‌نامه درس یازدهم فارسی دهم)

گاهی طراح معانی را می‌دهد و واژه را می‌خواهد.

۲. شایق: آرزومند، مشتاق (واژه‌نامه درس پنجم فارسی یازدهم)  
۳. ارتفاع: محصول زمین‌های زراعتی (واژه‌نامه درس دوازدهم فارسی دوازدهم)  
محظور: مانع و مجازاً گرفتاری و مشکل (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دوازدهم)  
هویدا: روشن، آشکار (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دوازدهم)  
واترقدین: تنزل کردن، پس‌روی کردن (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دوازدهم)  
کربت: غم، اندوه  
حریف: دوست، همدم، همراه (واژه‌نامه درس ششم فارسی دوازدهم)  
در گزینه نخست، معنای واژه محظور و هویدا / در گزینه دوم، معنای واژه هویدا و کربت / در گزینه سوم، معنای چهار واژه محظور، هویدا، واترقدین و حریف / در گزینه چهارم، معنای سه واژه محظور، کربت و حریف صحیح است.

۴. ج) صواب: درست، پسندیده، مصلحت  
⇐ با توجه به دو واژه صراط (اشاره به پلی است میان بهشت و جهنم) و ترازو (مجاز از محاسبه اعمال در آخرت) ثواب صحیح است  
ثواب: اجر و پاداش اخروی، مزد کار نیک  
د) امارت: حکمرانی، فرمانروایی  
⇐ با توجه به زراعت، عمارت صحیح است.  
عمارت: آباد کردن، آبادانی

۵. املائی صحیح زوج‌واژه‌های غلط: شیر و آغوز، مضع و جویدن، انبان و مشک، مسحور و مفتون، محوطه و صحن، راحت و مرفه، لثیمی و فرومایگی، سیاره زحل و مریخ



۶. **۱۱۷** قلبات: چنین واژه‌ای نداریم!

غلبات: جمع غلبه است به معنای چیرگی و کثرت

رقبات: جمع رقبه است به معنای گردن

⇐ رغبات ذوق: میل به آزمودن چیزی

رغبات: جمع رغبه است به معنای خواستن و میل

۷. **۱۴۶** منبع ابیات: قلمرو زبانی درس چهاردهم فارسی ۳ !!!

۸. **۱۳۳** بیت الف: «راست» را می‌توان دو گونه معنا کرد: ۱- دقیقاً (در معنی قیدی) ۲- مناسب و دقیق (در معنی

صفتی)؛ پس مصراع دوم به دو شکل معنا می‌شود: ۱- دقیقاً لباس حسن تو را بر قامت هر یک از آن‌ها دیدم

۲- لباس حسن تو بر قامت هر یک از آن‌ها مناسب و به اندازه بود.

بیت ب: علت برخاستن شر و آشوب در جهان، کرشمه و عشوه بار است ← حسن تعلیل کم‌رنگی شکل

گرفته است.

بیت ج: «نگاه و نظر» به «پیک» مانند شده است. («دواسبه» کنایه است.)

بیت د: «عالم» و «جهان» مجاز از مردمان عالم هستند.

۹. **۱۴۶** **گزینه ۱: «بالا»** ایهام دارد: ۱- بالنده و رشدکننده (صفت فاعلی) ۲- قد و قامت (اسم) // «راستی را» ایهام

دارد: ۱- به راستی، واقعاً ۲- به خاطر راست قامت // بنده شمشاد بالا بودن، تشخیص و استعاره مکنیه

است، زیرا «قدوبالا» انسان فرض شده و بنده دارد. (قبلاً توضیحاتش را در این کتاب، گفتم و آموختید.)

**گزینه ۲: «خون»** مجاز آشنایی است از کشتن (البته آشنا برای شما!).

«میان بستن» هم کنایه رایجی است. (این یکی برای همه!)

**گزینه ۳: ایهام «مهر رخسار»** برای شما نیاز به توضیح دوباره ندارد. تشبیه بیت هم آشکار است.

**گزینه ۴: میان «ختا - خطا»** جناس ناهمسان برقرار است اما حسن تعلیل در کار نیست زیرا رنجیدن دلیل

واقعی چین افتادن بر ابروهاست<sup>۱</sup>.

۱۰. **۱۱۷** **مهر روی او:** ۱- عشق به چهره او ۲- خورشید چهره او (اضافه تشبیهی)<sup>۲</sup> // **به مهرش:** ۱- سوگند به عشق

او ۲- در عشق او // علاوه بر این اضافه تشبیهی، سلمان ساوجی خود را به صبح صادق مانند کرده است.

// «مهر» در مصراع دوم تنها در معنی «عشق» آمده است اما به دلیل حضور «صبح» معنای خورشید نیز از آن

به ذهن خطور می‌کند ← ایهام تناسب // «آفاق» مجاز است از تمام جهان که برای شما مجاز آشنایی بود.

**!** آمدن «از آن» در یک بیت دلیلی بر آفریده شدن حسن تعلیل در آن بیت نیست!! (شرم بر هرزآموزانی

که در تولید شبه‌علم و نکته‌های دروغین و بی‌پایه در تاریخ تمدن بشر جداً یکتا و بی‌همتایند! و باعث

می‌شوند هر سال برای مقابله با این پدیده شوم، تست‌های آزمون سراسری سخت و نکته‌دارتر شود.)

۱. هرزآموزی به شاگردان معصوم خود می‌گفت: هر بیت که در آن «از آن» آمده باشد، حسن تعلیل دارد!! و این هم مثال نقض در کنکور سراسری ۱۳۹۹ برای این گفته‌های

بی‌پایه، در تست بعدی هم این چنین است.

۲. طراح بزرگوار دید از توضیح ایهام در ترکیب «مهر رخسار» طفره رقیم: دوباره همان ترکیب و همان ایهام را در تست بعدی سؤال داد تا من ناچار شوم به توضیح دادنش! (به

این می‌گویند حسن تعلیل)



۱۱. ﴿۴۴﴾ جناس‌ها: ۱- می‌ساختم - می‌سوختم ۲- عود - بود ۳- سوز - ساز  
ایهام تناسب‌ها: ۱- عود: آ - چوب خوشبوی عود (ب - ساز «عود» که با «بربط» تناسب و ترادف دارد).  
۲- آ - «ساز» در «سوز و ساز» به معنی ساختن و مدارا کردن آمده است (ب - معنی ساز موسیقی هم به دلیل حضور «ساختن» در معنی نواختن و «بربط» یا همان عود، به ذهن خطور می‌کند).
۱۲. ﴿۴۳﴾ گزینه ۱: «کنار آمدن» فعلی مرکب است و همیشه حرف اضافه «با» آن را همراهی می‌کند (کنار آمدن با)، یعنی «متمم» همراه همیشگی این فعل است و جمله‌ای با این الگو می‌سازد: نهاد + متمم + فعل  
گزینه ۲: «احساس کردن» در این عبارت فعل مرکب است که همیشه با مفعول به کار می‌رود (چیزی را احساس کردن)؛ یعنی مفعول همیشه همراه آن است و جمله‌ای با این الگو می‌سازد: نهاد + مفعول + فعل  
پرسش: از میان مصدرهای «طی کردن، پی بردن، دست کشیدن، دست زدن، پانهادن، سرکشیدن، دل دادن، جنگیدن، گنجیدن، آفریدن، باریدن» کدام‌ها گذرا به مفعول و کدام‌ها گذرا به متمم هستند؟  
پاسخ: گذرا به مفعول‌ها: طی کردن، از سر گرفتن، آفریدن  
گذرا به متمم‌ها: پی بردن (به)، دست کشیدن (از)، دست زدن (به)، پانهادن (بر)، دل دادن (به)، جنگیدن (با)، گنجیدن (در)،  
«باریدن» ناگذر است؛ یعنی فقط به نهاد نیاز همیشگی دارد.
- گزینه ۴: «ترتیب دادن» فعل مرکب است و فقط به مفعول و نهاد نیاز همیشگی دارد؛ پس جمله‌هایی با این الگو می‌سازد: نهاد + مفعول + فعل  
گزینه ۵: «می‌کرد» در این جا معنای «می‌گرداند» می‌دهد، پس جمله‌ای با این الگو می‌سازد: نهاد + مفعول + مسند + فعل
۱۳. ﴿۴۱﴾ گزینه ۱: ۱- شعر حافظ ۲- زمان آدم ۳- باغ خُلد ۴- دفتر نسرین ۵- دفتر گل ۶- زینت اوراق // گزینه ۲: ۱- دم صبح ۲- صبح ازل ۳- آخرِ شام ۴- شام ابد // گزینه ۳: ۱- رشتهٔ تسبیح ۲- دستم ۳- ساعد ساقی // گزینه ۴: ۱- حُسن مهرویان ۲- مهرویانِ مجلس ۳- بحث ما ۴- لطف طبع ۵- خوبی اخلاق
۱۴. ﴿۴۲﴾ باز هم «مهارت در خوانش درست بیت‌ها» کلید پاسخ‌گویی به این پرسش بود.  
الف: به چشم اشک‌بارِ من، چه خواهد کرد حیرانم / که آتش را به چشم، آن روی تابان آب گرداند  
← آن روی تابان، آتش را، در چشم، آب می‌گرداند ← وابسته وابسته در کار نیست.  
ب: مجوی عیش خوش از دور بازگون سپهر / که صافِ این سرِ حُم، جمله دُرُدی آمیز است  
← «صاف» به جای شراب صاف به کار رفته و هستهٔ گروه اسمی است ← «این» صفت مضاف‌الیه است و «حُم» مضاف‌الیه مضاف‌الیه.  
ج: فقط «می» مضاف‌الیه مضاف‌الیه است.  
د: خط به گرد لبِ جان بخش تو می‌دانی چیست؟ / ظلماتی که از آن، چشمهٔ حیوان سر زد  
«گرد» اسم و هستهٔ گروه اسمی است. «جان بخش» صفت مضاف‌الیه است و «تو» مضاف‌الیه مضاف‌الیه



۱۵. خوانش درست و مهارت در مرتب‌سازی بیت، کلید پاسخ گفتن به این پرسش بود.

هرکس عمر خود را صرف شادمانی کرده است، مانند گل حاصلش از زندگی، گریه تلخ است.  
 نهاد مفعول نهاد مفعول مسند

(منظور از گریه تلخ، گلایی است که از گل‌ها می‌گیرند!)

۱۶. «ساختن» در معنی پدید آوردن و تولید کردن همیشه با مفعول همراه است نه متمم و جمله‌های با این

الگو می‌سازد: نهاد + مفعول + فعل<sup>۱</sup>

علاج واقعه را پیش از وقوع باید کرد (یک جمله ساده مستقل)

مفعول قید فعل

چو وقتی که کار از دست رفت، دریغ سودی ندارد (یک جمله مرکب مستقل)  
 فعل

به روزگار سلامت سلاح جنگ بساز (این متمم، همیشگی نیست) و گرنه چو سیل بگرفت، سد را نشاید بست  
 متمم مفعول حرف ربط فعل

(یک جمله مرکب مستقل)

۱۷. مفهوم مشترک سه بیت دیگر: با افزایش سن، حرص به این دنیا و آرزوهای دنیوی بیشتر می‌شود.

معنای بیت نخست، به هنگام پیری با خم شدن قامت باید به پختگی رسید و از هر دو عالم دل کند، اما اگر حرص در وجود انسان رخنه کرده باشد، قامت خمیده دوران پیری، گوشه‌ای امن می‌شود برای پناه گرفتن آرزوهای دور و دراز.

۱۸. مفهوم «مقام رضا» برای شما آشناست.

معنای بیت گزینه نخست: این یار زیبارو راضی نیست که کسی چهره زیبایش را ببیند و هر که دید، بدون شک دچار رنج بی‌قراری و حرمان شد.

معنای بیت گزینه دوم: دُرد و ته‌مانده شراب کارخانه قسمت و روزی، در کام من مانند می زلال روی خم است.

۱۹. بیت گزینه نخست: تنها روزی‌ای که نیاز به جست‌وجو ندارد، غم است!

بیت گزینه دوم: تنها چیزی که از سخنان آتشین نصیبمان شده است، پشیمانی و جویدن نوک انگشت است!

بیت گزینه سوم: ماه در هر ۲۸ روز دقیقاً همان قدر که جمع می‌کند، خرج می‌کند! بنابراین همیشه برقرار است.

بیت گزینه چهارم: در این جا توکل به خدا رفیق شفیق شاعر است و مطمئن است که بدون کوشش، خدا روزی اش را به در خانه اش می‌رساند.

۲۰. مقام «فنا فی الله» در هر دو بیت آشکارا مطرح است. (در بیت گزینه نخست، شاعر حاضر است برای دیدن

یارش، از جانش بگذرد که با مفهوم مقام فناء فی الله یکسان نیست.)

۲۱. در سه بیت دیگر، بنفشه، گل سرخ یا هر گیاهی از خاک عاشق به نشانه عاشقی او سر بر می‌آورد.

۲۲. در هر دو بیت، هر سختی برای بودن در کنار یار، تحمل‌پذیر تصویر شده است.

۲۳. رنگ شراب خود را زندانی ظرف شراب (مینا، بطری شراب) نمی‌کند ← باید آزادانه در گیتی سیر کرد و

قید و بندها را از دست و پای اندیشه و زندگی گشود.

۱. روشن است که اگر «ساختن» معنی «مدارا کردن» بدهد، جمله‌هایی با الگوی «نهاد + متمم + فعل» می‌سازد؛ نمونه: با هیچ‌کس نمی‌سازد.



۲۴. در هر دو بیت، شاعر می‌گوید که فقط مرگ می‌تواند مرا از خوشبختی بودن در کنار یار، جدا کند.
۲۵. بیت گزینه نخست: بر کمی زن = بر کمی و قناعت چنگ بزَن: به حداقل‌ها بسنده کن  
بیت گزینه دوم: چه = چرا (طبیعت و روزگار در خدمت توست، چرا پریشانِ روزی ات هستی؟)  
بیت گزینه سوم: هم‌زور = حریف (بیت اغراق دارد؛ مانند «نبدد مرا دست چرخ بلند»)  
بیت گزینه چهارم: می‌گوید رزق و روزی نیازی به جست‌وجود ندارد؛ حرص نزن!

### ■ رشته هنر

۱. **۱۳۰** خنیده: مشهور، معروف، نامدار؛ خنیده نام‌تر گشتن: مشهورتر شدن، پرآوازه‌تر گردیدن (واژه‌نامه درس ششم، فارسی یازدهم)  
طین: گل، خاک نمناک (متن درس هفتم فارسی یازدهم)  
برگداشتن: برگردانیدن (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)  
اسرا: در شب سیر کردن، هفدهمین سوره قرآن کریم (واژه‌نامه درس نهم فارسی دوازدهم)
۲. **۱۳۱** مکاری: کسی که اسب و شتر و الاغ کرایه می‌دهد یا کرایه می‌کند. (واژه‌نامه درس سوم فارسی دهم)  
مرمت: اصلاح و رسیدگی (واژه‌نامه درس سوم فارسی دهم)  
مخمصه: بدبختی و غم بزرگ، تنگنا، این واژه به معنی «گرفتاری» متداول شده است. (واژه‌نامه درس پنجم فارسی دهم)  
مگسل: جدا مشو، رها مکن (واژه‌نامه درس یازدهم فارسی دهم)  
منال: مال و ثروت، درآمد مستغلات (واژه‌نامه درس شانزدهم فارسی دهم - توجه: این واژه از کنکور ۱۴۰۰ از کتاب حذف شده است)  
رد سایر گزینه‌ها: **۱۳۲**
- گزینه ۲: دها: زیرکی، هوشمندی (نه زیرک!)  
گزینه ۳: ثقت: اطمینان، خاطر جمعی (نه مطمئن!)  
گزینه ۴: خبث: پلیدی (نه پلید!)

در سوالات لغت به تفاوت اسم‌ها و صفت‌ها توجه کنید.

۴. **۱۳۳** ۱- محذور: مانع و گرفتاری و مشکل  
۲- محذور: حاضر شده  
۵. **۱۳۴** اhtمال: ! (در فارسی وجود ندارد)  
احتمال: گمان، حدس  
ذلال: جمع ذلیل در عربی  
زالال: صاف و گوارا



ظلال: سایه‌ها

⇐ شرابِ زلال صحیح است.

ظلال: گمراهی

۶. قالب: شکل، حجم، ظرف

⇐ غالبِ ظن: حدس فراوان (بیش تر گمان)

غالب: افزون، فراوان، بسیار، بیش تر اوقات ⇐ غالبِ ظن = حدس فراوان (بیش تر گمان)

۷. این تست به هیچ شکلی توجیه آموزشی ندارد.

۸. بیت الف: دلیل گذر سریع عمر آن است که شبیه باد شود تا انسان بتواند آن چه را در زندگی دروده است بوجاری کند (گاه را از دانه‌ها جدا کند). ← برای گذر سریع و بادگونه عمر، دلیلی تخیلی آورده است ← حسن تعلیل

بیت ب: در بی‌قراری، آرام و قرار خود را دیدن، متناقض نما است.

بیت ج: نسبت دادن چشم پاک به شب‌نم، تشخیص و استعارهٔ مکنیه است.

بیت د: صبح و شام (شب) متضاد هستند و «نقد و نسیه» نیز.

بیت ه: اسیر خاک بودن کنایه از مردن و کشته شدن است.

۹. گزینهٔ ۱: مجازی دیده نمی‌شود. («سروقد» دارای تشبیه است. «سروقدان» در درخشش چهره از «ماه» و

«خورشید» برتر پنداشته شده‌اند ← تشبیه برتر)

گزینهٔ ۲: ۱- «سر» مجاز از قصد و تمایل است.

گزینهٔ ۳: ۱- «سر» مجاز از ذهن است. ۲- «خاک» مجاز از زمین و دنیای مادی است. ۳- «کاسه» استعاره

از وجود انسان هاست. ۴- صهبا (باده) استعاره از خودپسندی و کبر است. (هر استعارهٔ مصرحه، نوعی

مجاز است.)

گزینهٔ ۴: «دم زدن» کنایه از سخن گفتن است. «گرفتن نفس در دهان» کنایه از ناتوانی در سخن گفتن است.

واقعاً گل به «رنگ» و «بو» یش شهره است، پس مجاز نداشتن «رنگ» و «بو» زیباتر و سنجیده‌تر است تا

مجاز گرفتن آن.

۱۰. دانستن معنای گوناگون «آهو» کلید پاسخ گفتن به این پرسش بود.

«آهو» در مصراع نخست به معنی «کارهای ناپسند و عیبناک» آمده است و در مصراع دوم نیز معنای «عیب»

از آن برمی‌آید، اما به دلیل آمدن واژه‌هایی نظیر «بند، تازی، سگ و صحرا» معنای رایج آن (غزال، آهوی

صحرا) نیز به ذهن خطور می‌کند ← ایهام تناسب.

«تازی» در این جا فعلی است از مصدر «تاختن» اما به دلیل وجود واژه‌هایی مانند ..... و .....

..... معنای سگِ تازی (شکاری) نیز به ذهن خطور می‌کند ← ایهام تناسب.

«تاختن نفس» استعارهٔ مکنیه است، زیرا «نفس» همچون اسبی پنداشته شده است و راندن و سواری گرفتن

از ویژگی‌های اسب و چارپا است.

«بند حرص» اضافهٔ تشبیهی است. تضاد میان «حرص و قناعت» دیده می‌شود.

(تست دشواری بود و پاسخ گفتن به آن تنها از عهدهٔ دانایان ادبیات و خوانندگان این کتاب، یعنی شما

عزیزان! برمی‌آمد.)



۱۱. **گزینه ۱:** جناس تام «سودا» برای شما آشکار است. «فردا» را مجاز از قیامت می‌دانند.

**گزینه ۲:** مجاز «چمن» برای شما آشکار است اما ایهامی در کار نیست.

**گزینه ۳:** یادتان هست که **ناهِید** خانم ما (زهرهٔ اعراب) نماد شادی و عشق و نوازندگی بود و هست ← نوای شاعر، ناهید را چنان مجذوب می‌کند که از آسمان بر زمین می‌آید تا ببیند کیست که این چنین زیبا می‌خواند ← اغراق در بلندی یا زیبایی آواز و فغان و تشخیص (استعارهٔ مکنیه) برای ناهید.

**گزینه ۴:** بینش به سرمه (درواقع توتیا) مانند شده است که باعث بینایی چشم می‌شود. تکرار مصوت «ا» و صامت «ب» و ... واج‌آرایی پدید آورده است.

۱۲. **آشکار** است که فعل‌های «گشت»، «شد»، «است»، «گردد»، «است»، «باشد»، «شد» و «بود» در گزینه‌های ۱ تا ۳ گذرا به مسند هستند. در بیت چهارم می‌توان «نیست» را «**وجود ندارد**» معنا کرد و «همنشین» و «هم‌نفس» را نهاد در نظر گرفت.

۱۳. **ایراد کوچکی** در نمودار گزینهٔ نخست هم دیده می‌شود اما نمودار گزینهٔ سوم کاملاً اشتباه است.

$$\begin{array}{cccc} ۴ & ۳ & ۲ & ۱ \\ \text{مشتاق دیدار سیمرغ کوه قاف} \\ \hline \end{array}$$

۱۴. **خاموش [باش]** که در پستی مردن، به (بِهتر) [است] که (از) بردن حاجت پیش کسی  
 مسند متمم نهاد مسند

بین گزینه‌ها، تنها، گزینهٔ سوم به پاسخ درست این پرسش دشوار، نزدیک است.

۱۵. **اگر گرد کسی بسیار گردی (بچرخ)** اگر چه بسی عزیز (هستی) خوار گردی (می‌شوی)

«گشتن» در معنی «چرخیدن» **ناگذر** است و فقط نهاد جزء همیشگی‌اش است ← نهاد «تو» است که حذف شده ← سایر اجزای جمله یا قید هستند یا متمم‌های اختیاری که مانند قید عمل می‌کنند ← «گرد کسی» و «بسیار» با حرف اضافه همراه نیستند، پس قید به شمار می‌آیند.

«اگر چه» **حرف ربط وابسته‌ساز** است نه قید. «عزیز» مسند جملهٔ دوم است و «تو» نهاد آن ← «بسی» قید است. «خوار» در جملهٔ سوم مسند است.

**!** روش تشخیص «قید» حذف کردن آن از جمله نیست.

۱۶. **گزینه ۳:** نادرست است و «گشاده» صفتِ «آن» نیست.

۱۷. هر دو بیت برای شما، بیت‌های آشنایی هستند و مفهوم «متکی بودن به خود در زندگی» در هر دو دیده می‌شود.

۱۸. مفهوم بیت چهارم: سفارش به خاموشی (سخن گفتن مانند باد سردی است و بهار زندگی را خزان می‌کند).

مفهوم مشترک سه بیت دیگر: وارستگی و بریدن از تعلقات دنیایی

(ساده کردن: پاک کردن، ستردن، تراشیدن)

۱۹. **شاعر می‌گوید** که این تُلّ خاک که در چشمت بی‌ارج می‌نماید، بازماندهٔ سرو چشم و گوش آدمیانی است

همچون خود؛ یادآور این بیت زیبای خیّام است که: «گرد از رخ نازنین به آرم فشان / کان هم رخ خوب نازنینی بوده است»



۲۰. هر سه بیت، به این مفهوم اشاره دارند که برای رسیدن به اوج، باید سختی‌های بسیاری را تاب آورد. از زهر سبز شد قلم استخوان ما: استخوان خود را به قلم و نهالی مانند کرده است که پایش به جای آب، زهر ریختند اما با این حال سبز شده و به بار نشست است!
۲۱. تست کمی غیراستاندارد است. در بیت‌های ۱ و ۴، آشکارا بلندهمّتی ستایش می‌شود. بیت دوم سفارش به سفر است و بیت سوم توصیه به مناعت طبع و دلگیر نبودن از تنگ عیشی؛ البته بین این دو، بیت سوم به مفهوم موردنظر طراح نزدیک است و انتخاب گزینه ۲ تا حدّی ممکن است اما نه صد درصد. (مشکل از شما نیست از تست است!)
۲۲. تستی زیبا، استاندارد و البته ساده!
- معنای بیت نخست: کار کسی را بی ارزش ندان و در برآوردن نیازش سستی نکن، زیرا امکان دارد (می‌افتد که، اتفاق می‌افتد که) روزی فرارسد که تو برای برآوردن نیازت، به پایش بیفتی.
۲۳. پرسشی نو و ارزشمند است، بر پایه این مفهوم رایج که «مستمع صاحب سخن را بر سر ذوق آورد» معنای بیت نخست: او خاک و خاشاک را صاحب درک و دریافت می‌داند.
۲۴. مفهوم این بیت، ماندگاری عشق، حتی در دوران سالخوردگی است، در حالی که مفهوم مشترک سه بیت دیگر، تقابل عشق با عقل و زهد است.
۲۵. مفهوم بیت دوم: همه اجزای طبیعت، جلوه‌گاه زیبایی‌ها و قدرت خداوند هستند. معنای بیت نخست: اگر به قضای الهی راضی و خرسند باشیم، تا چشم کار می‌کند در دنیا چیزی جز ناز و نعمت نمی‌بینیم (مقام رضا)

## رشته زبان

۱. تازی: عرب؛ زبان تازی: زبان عربی (واژه‌نامه درس سوم فارسی دهم)  
اسوه: پیشوا، سرمشق، نمونه پیروی (واژه‌نامه درس دهم فارسی دهم)  
نثار: پیشکش کردن، افشاندن (واژه‌نامه درس هجدهم فارسی دهم)  
فراز آمدن: رسیدن، نزدیک آمدن (واژه‌نامه درس سیزدهم فارسی دهم)
۲. وبال: سختی و عذاب، گناه (واژه‌نامه درس دوم فارسی یازدهم)  
وزر: بار سنگین، گناه: (واژه‌نامه درس دوم فارسی یازدهم)  
صباح: زیبایی، جمال (واژه‌نامه درس نهم فارسی یازدهم)  
فرود سرای: اندرونی: اتاقی در خانه که پشت اتاقی دیگر واقع شده باشد، مخصوص زن و فرزند و خدمت‌گزاران (واژه‌نامه درس دوم فارسی یازدهم)  
محجوب: پنهان، مستور، پوشیده (واژه‌نامه درس دوم فارسی یازدهم)  
خنیده: مشهور، معروف، نامدار (واژه‌نامه درس ششم فارسی یازدهم)  
در گزینه نخست، معنای سه واژه وبال، صباح و محجوب / در گزینه دوم، معنای چهار واژه وزر، فرودسرای، محجوب و خنیده / در گزینه سوم، معنای سه واژه وزر، صباح و خنیده / در گزینه چهارم، معنای سه واژه وبال، فرودسرای و محجوب صحیح است.





۳. شبه: مانند، همانند، مثل (واژه‌نامه درس چهاردهم فارسی دهم)  
 انابت: بازگشت به سوی خدا، توبه، پشیمانی (واژه‌نامه درس یکم فارسی دوازدهم)  
 مستعجل: زودگذر، شتابنده (واژه‌نامه درس هشتم فارسی دوازدهم)  
 تعبیر: بیان کردن، شرح دادن، بازگویی (واژه‌نامه درس نهم فارسی دوازدهم)
۴. آذرم: نمد زین (در کتاب‌های درسی وجود ندارد!)  
 آزر: شرم، حیا  
 مسطور: نوشته، نوشته شده (هم ریشه سطر)  
 مستور: پوشیده، در پرده، پنهان  
 ← مستور نبود = پنهان نمی‌باشد
- غزا: جنگ  
 ← قضای گردنده = تقدیر دگرگون شونده  
 قضا: تقدیر و حکم الهی، قضاوت
۵. بخوای: (ما اصلاً فعلی نداریم که امرش بخوای باشد!)  
 بخای: فعل امر از مصدر خاییدن (جویدن، چیزی را با دندان نرم کردن)
۶. عظیمت: (ما هر چند عظمت (بزرگی) داریم اما عظیمت وجود خارجی ندارد!)  
 ← عزیمت کنند = قصد کنند  
 عزیمت: آهنگ، قصد، نیت  
 حزیمت: (وجود خارجی ندارد!) (توجه: حزم در معنای هوشیاری و دوراندیشی است و می‌توان آن را با حزیمت در ارتباط دانست)  
 ← هزیمت دشمن = شکست لشکر دشمن  
 هزیمت: شکست لشکر
۷. منظوم یعنی به نظم درآمده و یعنی همان شعر خودمان منشور هم یعنی به نثر درآمده و نثر یعنی نوشتار پراکنده  
 همه آثار گزینۀ نخست منظوم‌اند و آثار منشور سایر گزینه‌ها که سبب رد آن‌ها می‌شود، عبارتند از: اتاق آبی، تذکرة الاولیا و تیرانا.
۸. بیت «الف»: اگر ابر باران‌زا (گرینده) حیا و خجالت داشته باشد، نباید از میزان باریدن خود جایی که چشم من حضور دارد سخن براند ← تشبیه برتر و اغراق  
 بیت «ب»: «دم» مجاز از سخن است و «دم آتشی» در این جا حس آمیزی دارد.  
 «کوفتن آهن سرد» کنایه رایجی است از بیهوده کاری.  
 بیت «ج»: «دستان» ایهام دارد: ۱- جادو و افسون ۲- دستان پدر رستم  
 بیت «د»: چون ناله در کوهسار می‌پیچد و دوچندان (دو بالا) می‌شود، فرهاد در کوه بیستون منزل کرده است ← حسن تعلیل  
 بیت «ه»: «ماه نو» استعاره آشنایی است از یار ماه رخسار
۹. گزینه ۱: ۱- خال به دانه مانند شده ۲- زلف‌ها به دام مانند شده ۳- دل به مرغ و پرند مانند شده<sup>۱</sup>.  
 گزینه ۲: ۱- خرد به بستان مانند شده ۲- لفظ دلارای شاعر به گل مانند شده ۳- سخن به باغ مانند شده  
 ۴- منطقی (گفتار) به بلبل مانند شده است.

۱. «و» در مصراع نخست این بیت، از نوع واو عطف است یا هم‌پایه‌ساز دو جمله (ربط)؟



**گزینه ۳:** در این بیت نیز همانند بیت دوم، ۴ مورد تشبیه وجود دارد که پیدا کردنش برای شما عزیزان بسیار ساده است.

**گزینه ۴:** (یادتان هست گفتم گاهی تشبیه به شکل **پرشش** مطرح می شود؟)

۱- بناگوش به ماه مانند شده ۲- بناگوش به چراغ مانند شده ۳- زلف به شب مانند شده ۴- بناگوش به شمع مانند شده است.

۱۰. با اغراق بیت آشنا هستید: دهان یار در کوچکی به نقطه‌ی موهوم مانند شده است! // دندان‌ها در مصراع

نخست به عقد (گردن‌بند) مانند شده‌اند و در مصراع دوم، **این** «سی‌پاره»، استعاره از همین دندان‌هاست.

۱۱. «خسرو» در بیت نخست هم می‌تواند در مفهوم عام پادشاه به کار رفته باشد، هم «خسرو پرویز» پادشاه بزرگ ساسانی و همسر و دلدادۀ شیرین.

با دو معنای «**قصور**» در همین کتاب آشنا شده‌اید. «**راستی**» و «**میان**» در بیت چهارم «ایهام تناسب» دارند. همچنین قد و بالای یار به درخت سرو مانند شده است و از آن بالاتر (تشبیه برتر).

۱۲. در سه گزینه دیگر، «گرامی»، «نهان» و «آن» صفت مضاف الیه هستند.

۱۳. طین - تین (انجیر) // خان - خوان // زمان - ضمان (ضمانت)

۱۴. یارب، ما ناقصان را از سنگ محک رسوا مکن (مگردان) که کامل عیاری غیر از تو، در این نه بونه نیست

مفعول بدل      مسند      نهاد      متمم      متمم

(وجود ندارد).

این نکته یادتان هست: **بدل مفعول را با مفعول اشتباه نگیرید!**

۱۵. [تو] حفظ آبروی خواهش کن که گردون حسیس نان خود را با آب‌روی سایل تر می‌کند

نهاد      مفعول      فعل      نهاد      مفعول      متمم اختیاری      مسند

**گزینه ۱:** «دادن» جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + متمم + فعل» می‌سازد.

**گزینه ۲ و ۴:** «می‌کند» (= **می‌گرداند**) جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» می‌سازد.

**گزینه ۳:** «نداشت» جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + فعل» می‌سازد و می‌کند (= **می‌گرداند**) جمله‌ای با الگوی «نهاد + مفعول + مسند + فعل» می‌سازد.

۱۶. روشن است که «دارد» در مصراع دوم بیت فقط یک بار حذف شده است.

۱۷. مفهوم مشترک در دو بیت، دوری از جمع و انزوای طلبی برای در امان بودن از آفت و گزند آدمیان بدکردار است.

۱۸. در هر دو بیت، مفهوم «جان‌فشانی در راه عشق» مطرح شده است.

بیت گزینه سوم: طرۀ مشکین یار به سنبل و رخ او به بوستان مانند شده است.

۱۹. در بیت‌های دیگر خود حضرت محتسب اهل می و می‌گساری است!

۲۰. طراح محترم مفهوم عاشقانه «آن» را با «سیرت زیبا» نزدیک دانسته است.

بیت گزینه نخست: دل‌های گرفتار در زلف یار بسیار شده‌اند، تا جایی که دیگر زلف یار طاقت نگه داشتن آن‌ها را ندارد!



۲۱. «گندم نمای جو فروش» ظاهر پرست و خودنما نیست، بلکه با تظاهر، قصد فریب دادن مردم را دارد؛ میان گزینه‌ها، بیت دوم تاحدی به این مضمون نزدیک است، زیرا «خرقه» لباس زهد و عرفان است و مردم برای زاهدان و عارفان احترامی قائل بودند و نذر و هدایایی و ...
۲۲. سه بیت نخست می‌گویند که هیچ نگارگری توان کشیدن زیبایی‌های چهره‌تورا ندارد. بیت چهارم می‌گوید که ناز و کرشمه‌تورا نمی‌توان به تصویر کشید. اصولاً مفهوم هر چهار بیت یکسان است و تست نادرست ارزیابی می‌شود. (پاسخ طراح محترم گزینه ۴ بوده است.)
۲۳. شاعر در بیت صورت سؤال می‌گوید که زاهدان از احوال عارفان بی‌خبرند، در بیت گزینه سوم «پیش» در معنی «از نظر» آمده است؛ بنابراین آن چه از نگاه زاهدان بی‌درد، مشکل می‌نماید در عالم عارفان آسان است و این نشانه بی‌خبری زاهدان از عالم عارفان است.
- معنای بیت گزینه ۱: اگر خشم و غیرت خدا برانگیخته شود، زاهد به خود مطمئن و خودشیفته، به سادگی راه میخانه را در پیش می‌گیرد و رسوای خاص و عام می‌شود.
- بیت گزینه ۲: همّت «در معنای دعای خیر و کارساز مقربان درگاه خدا» در حق مریدان آمده است.
۲۴. نازسازگاری روزگار با فرهیختگان و آزادگان برای شما مضمون آشنایی است.
- معنای بیت گزینه ۴: آزادگان، سبک‌بارند به‌همین دلیل رد پایشان خیلی بر زمین نقش نمی‌بندد که نمی‌توان سراغ و نشانشان را گرفت.
۲۵. این بیت‌ها برای شما آشنا و ساده است.

## ■ خارج از کشور

۱. همت: اراده، خواست، کوشش، بلندنظری (متن درس سون فارسی دوازدهم)  
 خور: زمین پست، شاخه‌ای از دریا (واژه‌نامه درس دهم فارسی دهم)  
 غارب: میان دو کتف (واژه‌نامه درس پنجم فارسی دهم)  
 بیرنگ: نمونه و طرحی که نقاش به صورت کم رنگ یا نقطه‌چین بر کاغذ می‌آورد و سپس آن را کامل رنگ‌آمیزی می‌کند، طرح اولیه (واژه‌نامه درس پنجم فارسی دهم)  
 - فقط معنای خور را می‌دانستید، کافی بود.
۲. شرع: سایه‌بان، خیمه (واژه‌نامه درس دوم فارسی یازدهم)  
 عارضه: حادثه بیماری (واژه‌نامه درس دوم فارسی یازدهم)  
 تشرع: شریعت، مقابل طریقت و عرفان (واژه‌نامه درس نهم فارسی یازدهم)
۳. کلان: دارای سنّ بیش‌تر (واژه‌نامه درس چهاردهم فارسی دوازدهم)
۴. مطابع: جمع مطبع و مطبعه، چاپخانه‌ها (ربطی به کتاب درسی ندارد)

⇐ متابع رای = پیروی‌کننده نظر

مُتابع: پیروی‌کننده، پیرو



صورت: شکل، ظاهر

⇐ صورت برودت = شدت سرما

صورت: حدت، شدت، تندی و تیزی

۵. صورت درست گروه‌واژه‌های غلط: حصار (حاضران) مجلس، درع وزره (جامع جنگی)، برخاستن (پا

شدن) مردگان، رافت و شفقت (مهربانی)، زل زدن و نگاه کردن، حماقت و فرومایگی

۶. هواس: کسی که خیلی هوس دارد و می‌خواهد (ربطی به کتاب درسی ندارد!)

حواس: حس‌ها، قوای مدرکه

۷. منظوم یعنی به نظم درآمده و یعنی همان شعر خودمان. منثور یعنی به نثر درآمده و نثر یعنی نوشتارِ پراکنده.

آثار منظوم این سوال: حمله حیدری، لیلی و مجنون، دری به خانه خورشید، پیوند زیتون بر شاخه ترنج

آثار منثور این سوال: سه دیدار، پرنده‌ای به نام آذرباد، تمهیدات، داستان‌های دل‌انگیز فارسی، من زنده‌ام،

روزها، فی حقیقه‌العشق، از پاریز تا پاریس، قصه شیرین فرهاد، اسرارالتوحید، سندبادنامه، فیه ما فیه

۸. «آهنگ» به معنای قصد یا «ساز» به معنی «قصد» یا «وسيله» به ذهن‌خطور نمی‌کند. با ایهام برانگیز بودن

«نوا» و «مخالف» آشنا بودید اما این‌جا ایهام تناسب دارد نه ایهام.

۹. بیت آشکارا تشبیه برتر و حسن تعلیل دارد: تو به قدری از پسته زیباتر می‌خندی (پسته‌ای که لب باز می‌کند

به پسته خندان معروف است) که دل پسته خون شد (به سرخی قسمتی از پوست پسته اشاره دارد).

(طراح محترم بدون توجه به وضعیت اقتصادی مردم در شرایط حساس کنونی! این تست را طراحی

فرموده‌اند و دقت نداشته‌اند که بسیاری از ایرانیان سال‌هاست که پسته را با آن لب خندان فقط از دور

نظاره‌گر بوده‌اند و قدرت شکافتنش تا پایین و دیدن سرخی ته دل این محصول ملی را نداشته‌اند!

تشخیص و استعاره مکنیه با هم دیده می‌شود. خنده خونین نشانه و کنایه از حسادت و حسرت است.

۱۰. گزینه ۱: ۱- باغ رخ ۲- بهار خط (موهای تنک و نورسته چهره یار به بهار مانند شده است که با رویش

چمن و سبزه همراه است.)

گزینه ۲: ۱- آیینة جان ۲- تخته تن

گزینه ۳: ۱- میوه عیش ۲- نخل مراد ۳- باغ محبت

گزینه ۴: ۱- خم طره به حلقه دام مانند شده است («دام نجات» متناقض نما است نه تشبیه)

۱۱. گزینه ۱: «کم - غم» جناس ناهمسان دارند. // «کوه غم» اضافه‌ای تشبیهی همراه با اغراق در گرانباری

غم است.

گزینه ۲: «بهار عمر» اضافه استعاری است: عمر به یک سال مانند شده و بهار یکی از فصل‌های سال است.

کل عمر مانند بهار نیست بلکه جوانی مانند بهار است که بخشی از عمر است. (این را قبلاً هم به شما

عزیزان گفته بودم.) // «چمن» مجاز از گلستان است و خود گلستان استعاره از این جهان. // ایهام تناسب

«هزار» هم آشنا و آشکار است.

گزینه ۳: خاطر (دل) خورشید، اضافه استعاری است.

گزینه ۴: اسلوب معادله برقرار است اما ایهام پدید نیامده است.



۱۲. «بی‌زنگار» صفتِ مضاف‌الیه است و «دل» مضاف‌الیه مضاف‌الیه.
۱۳. از دشوارترین و فنی‌ترین پرسش‌های دفترچه‌های کنکور سال ۹۹ همین تست است. نکته‌های زیر را باید در طول سال به دانش‌آموزان می‌آموختیم تا از پس پاسخ گفتن به این تست برآید:
- ۱- «آرام» گاهی معنای «آرامش» می‌دهد و اسم است، همچنان که در «آرام و قرار» این گونه است.
  - ۲- کسی را چیزی بودن = برای کسی چیزی وجود داشتن
  - ۳- «را» گاهی جانشین کسره است که یافتنش به خط فکری نیاز دارد.
  - ۴- «آبله‌پا» یک واژه و کنایه از مسافری رنجور و دردمند است.
- آرام نیست آبله پایان شوق را = برای آبله پایان شوق آرام (آرامش) نیست (وجود ندارد) «آرام» نهاد است و «آبله پایان شوق» متمم.
- مانع نگردد از حرکت، آب را حباب = حباب مانع آب از حرکت نمی‌گردد «حباب» نهاد است. «مانع آب» مسند است که «آب» مضاف‌الیه مسند به شمار می‌آید.
- (شاعر در تخیل خود، آبله‌پاهای مسافران راه عشق را به حباب روی موج‌ها مانند کرده است که مانع حرکت موج‌ها نمی‌شوند!)
۱۴. صفت‌های پیشین: ۱- یک ۲- این ۳- این
- ترکیب‌های وصفی: ۱- یک قرن ۲- اختلافات داخلی ۳- جنگ‌های داخلی ۴- این کشور ۵- این فاصله ۶- قدم‌های بزرگ ۷- کارگاه‌های متعدّد ۸- کارگاه‌های صنعتی
۱۵. «صائب» در گزینه نخست و چهارم منادا است.
- «است» در گزینه سوم فعل کمکی ماضی نقلی است نه فعل گذرا به مسند.
- مصراع نخست در گزینه دوم الگوی «نهاد + مفعول + فعل» دارد و مصراع دوم الگوی «نهاد + مسند + فعل».
۱۶. «افتاده است» فعل ماضی نقلی از مصدر «افتادن» است «مسند نمی‌خواهد (دقت کنید که «افتادن» در این جا معنی واقعی خودش را دارد و نیازی نیست آن را معادل «است» در نظر بگیریم) «افتادن» فعل ناگذر است و فقط به «نهاد» نیاز همیشگی دارد «دلم» نهاد جمله نخست است که در جمله سوم به قرینه لفظی حذف شده است «دام غمت» متمم است و «زبون» قید. همچنین در مصراع دوم نیز «خسته» (مجروح) و «بی‌سکون» قید هستند (زیرا جزء اجزای اصلی نیستند و با حرف اضافه نیز همراه نشده‌اند).
- برای شما آشکار است که در مصراع چهارم، مفعول فعل «میدانی» به شکل پیرو پس از آن آمده است.
- «کنی» معنی «بگردانی» می‌دهد و مسند و مفعول می‌خواهد.
- ترکیب‌های اضافی: ۱- دام غم ۲- غمت ۳- دلم ۴- دلم
۱۷. مفهوم مشترک سه بیت دیگر: اسیر عشق در پی رهایی نیست.
- مفهوم بیت سوم: امکان رهاشدن از بند عشق نیست.



۱۸. مفهوم‌های بیت نخست: راز عاشق را فقط عاشق می‌فهمد و بس / تقابل عقل و عشق / زندگی واقعی در عاشق بودن است. («مست» و «مستور» تضاد دارند).
۱۹. نظیر این تست و این مفهوم (تلاش برای یافتنِ روزیِ مقدّر) را در کتاب هزارتست و تناسب مفهومی بسیار دیده‌اید. (در حنا گذاشتن دست، نمونه و کنایه است از معطل کردن).
- پرسش: در بیت گزینه ۴، چرا «بگذار» با «ذ» نوشته شده است؟
۲۰. بیت گزینه نخست: عشق ما عاشقان بی تجربه مایه رونق و آوازه یارمان شد اما برای خودمان سودی نداشت. بیت گزینه دوم: آرزوهای ناسزاوار و دست نیافتنی، آدم را به بدبختی و عذاب دچار می‌کنند اما از ذهن و خاطر پاک نمی‌شوند. (آتش دوزخ هم نمی‌تواند طمع خامشان را پخته سازد؛ در دوزخ طمع حوری در سر دارند!) بیت گزینه سوم: هر کسی قدر عالم مستی را نمی‌داند.
- بیت گزینه چهارم: ما مانند ابراهیم اسفند یا اسپند هستیم؛ در آتش دست‌افشان و پاکوبان می‌شویم و گلستان بر ما شکوفا می‌شود.
۲۱. در هر دو بیت این نکته وجود دارد که مطلوب ما نزد خودمان است و آن را نباید در جای دیگری جست‌وجو کنیم. پرسش: در بیت گزینه ۲ میان «چاک» و «سینه» باید مکث بیاید یا کسره؟ معنای بیت گزینه چهارم: مردم خودبین شده‌اند و این فقط چشم ماست که محو خود نیست و دیگران را بر خود جای می‌دهد.
۲۲. بیت گزینه نخست: دوری از نزاع و جنگ برای رسیدن به خواسته‌ها
- بیت گزینه دوم: پول و دارایی مایه رسیدن به خواسته‌هاست و از زور و نیرو مهم‌تر است، حتی می‌تواند جای آن را بگیرد.
- بیت گزینه سوم: غنچه در دنیا را به روی خود بسته و در محدوده کوچک خویش، باغی زیبا و پررنگ و بو برای خود ترتیب داده است بدون نیاز به دیگری.
- بیت گزینه چهارم: اگر خدا کسی را دوست داشته باشد، او را تنگ‌دست و نیازمند می‌کند تا دچار طغیان و سرکشی نشود!
۲۳. این بیت، یادآور بیت معروف کتاب تناسب مفهومی خودمان است: که را تیغ قهر اجل در قفاست / برهنه است، اگر جوشنش چندلاست
- پرسش: در بیت گزینه چهارم، دم و افسون گیتی، چگونه باعث تیره شدن آینه شده است؟
۲۴. حدوداً هیچ بیتی به تحمل سختی‌های عشق و دم بر نیاوردن که در بیت صورت سؤال مطرح است، اشاره ندارد، اما طراح محترم گزینه چهارم را برگزیده است.
۲۵. عین مفهوم و بیت‌های مطرح شده در کتاب هزار تست و تناسب مفهومی خودمان! پایه تمام این تخیلات، این بیت زیبای پدر شعر پارسی، رودکی سمرقندی است که «ریگ آموی و درشتی‌های او / زیر پایم پرریان آید همی».